

اخبار

تأکید رئیس ستادکل نیروهای مسلح بر اجرای پدافند غیرعامل

روز گذشته سردار غلامرضا جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور در دیدار امیر سرلشکر عبدالرحیم موسوی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، گزارشی از عملکرد دستگاه‌های اجرایی در حوزه پدافند غیرعامل به ویژه حفظ و پایداری خدمات‌رسانی به مردم در شرایط بحران در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه ارائه کرد.

به گزارش ایرنا، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در این نشست، بر ضرورت پابندی جدی دستگاه‌های اجرایی به الزامات و ضوابط پدافند غیرعامل تأکید کرد که می‌تواند پایداری خدمات به مردم را تقویت کند.

کارگروه (کمیته) دائمی پدافند غیرعامل کشور به ریاست رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در حوزه پدافند غیرعامل کشور است که تصمیمات آن با ابلاغ رئیس کارگروه مزبور برای همه دستگاه‌های لشکری، کشوری، بخش دولتی و عمومی غیردولتی لازم‌الاجراست. بر اساس قانون، مسئولیت اجرای پدافند غیرعامل در سطح ملی با رؤسای دستگاه‌های ذریط و در استان‌ها با استانداران است و سازمان پدافند غیرعامل کشور «نظارت عالی، هدایت و راهبری سیاست‌ها، برنامه‌ها و مصوبات کارگروه دائمی پدافند غیرعامل» را در «دستگاه‌های موضوع این قانون برعهده دارد.

سخنگوی قوه قضائیه: شبکه‌های دشمن در داخل شناسایی شدند

نشست خبری اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه روز گذشته با حضور خبرنگاران رسانه‌های مختلف برگزار شد. به گزارش میزان، جهانگیر اعلام کرد: «قوه قضائیه با تمام توان، سرعت و عدالت مصمم است به پرونده متهمان به وطن‌فروشی و مزدورانی که به دشمن کمک کرده‌اند رسیدگی کند و هیچ‌گونه اغماضی نخواهد داشت.» وی گفت: «شبکه‌های دشمن در داخل با پیگیری‌هایی که به طور دقیق و قاطع و باسرعت انجام می‌شود، شناسایی شدند.» سخنگوی دستگاه قضا در پاسخ به اینکه «گفته می‌شود علت اصلی حمله به زندان اوین حذف برخی جاسوسان از سوی اسرائیل بوده است»، بیان کرد: «این موضوع را تأیید نمی‌کنیم. در حمله به زندان اوین به هیچ‌کدام از جاسوس‌های اسرائیلی آسیبی وارد نشد.»

جهانگیر درباره روند رسیدگی به پرونده جاسوسان بیان کرد: «از آنجا که تکمیل تحقیقات و قطعیّت این پرونده‌ها به دلیل پیچیدگی و مسائل امنیتی و فنی که دارد مشمول زمان می‌شود، در مواردی که احکام صادر و قطعی شود و به مرحله اجرا برسد، بلافاصله اطلاع‌رسانی می‌کنیم و تلاش داریم پرونده‌ها با دقت و سرعت در استان‌ها رسیدگی شود.»

جامعه طبیعی بوده و نشان غنای یک جامعه است. باید تفاوت‌ها را به رسمیت بشناسیم، مدارا و تحمل کنیم. تفاوت نباید حذف شود و اگر هم حذف می‌شود فقط در موارد بسیار اضطراری باشد. حذف کردن نباید تبدیل به سکه رایج جامعه شود. باید قدر اشتراکات را بدانیم. دشمن باعث شد اشتراکات و انسجام ملی تقویت شود و باید قدر آن را بدانیم. مهم‌ترین عامل بازدارنده علیه دشمن همین سرمایه اجتماعی است که مهم‌ترین سپر دفاعی کشور در برابر دشمن است.

مدال افتخار انسجام را باید برگردن مردم گذاشت اما دولت هم خیلی تلاش کرد، جلسات دولت بدون استثنا و مرتب برگزار شد. همه وزرا پای کار بودند. تأمین‌بنزین و مایحتاج مردم در این شرایط کار ساده‌ای نیست. در زمینه ارتباطات، امنیت شهری و فعالیت‌های آموزشی واقعاً مدیریت این کارها در زمان جنگ کار ساده‌ای نیست اما با وجود همه مخاطراتی که وجود داشت با توجه به اینکه دشمن صهیونیستی به هیچ اصول اخلاقی و قواعد بین‌المللی پایبند نیست مسئولان ارشد کشور پیگیری‌های لازم را انجام دادند و به وظایفشان عمل کردند.

در پایان، تحلیل شما از وضعیت کنونی چیست و چه پیشنهادهایی دارید؟

جامعه ما در شرایط خاص تاریخی قرار دارد که هم چالش دارد و هم فرصت. شرایط اقتصادی و امنیتی کشور دچار سختی شده اما همیشه به تعبیر قرآن «با سختی، آسانی است». در کنار این شرایط دشوار، فرصت‌هایی خواسته یا ناخواسته، شناخته یا ناشناخته ایجاد می‌شود که به ما میدان و امکاتی می‌دهد تا بسیاری از سرمایه‌ها و توانمندی‌هایمان را بشناسیم و از آن بهره ببریم. من فکری می‌کنم آنچه در جنگ ۱۲ روزه رژیم اسرائیل علیه ما رخ داد، سربلندی اجتماعی جامعه ما را به‌وضوح نمایان کرد. جامعه ما در یک شرایط خاص تاریخی قرار دارد اما این شرایط می‌تواند در عین حال یک فرصت و چالش باشد. در هر حال جنگ تعارف ندارد؛ آزار و اذیت‌ها متوجه مردم و جامعه ما بوده و شرایط اقتصادی و امنیتی تا حدی دچار تغییر شده است اما ما توانمندی‌ها را شناسایی کرده، کشف و از آنها استفاده کنیم.

فکری می‌کنم اتفاقی که در جنگ ۱۲ روزه تحمیلی اسرائیل علیه ایران رخ داد، سربلندی اجتماعی ما را به‌خوبی نمایان کرد و باید این انتظار را از خودمان داشته باشیم که نمادهای اخوت و همدلی را بیشتر ببینیم؛ نمادهای همراهی، کمک به نیازمندان و ایثارگری عمومی. مطمئناً ایران ما آینده‌ای درخشان دارد و البته این آینده درخشان در گرو همین همدلی، همراهی و ایثاری است که در این دوره‌های خاص باید همه ما داشته باشیم.

جبران ناکارآمدی‌ها به وجود آورده است، از ایرانیانی که خودشان را ایرانی می‌دانند اما به نفع جبهه مقابل حرف می‌زنند تعجب می‌کنم. همبستگی ملی یک سرمایه ارزشمند است. جامعه ایران با وجود همه اختلافات در مقابل یک متجاوز بیرونی یک واحد می‌شود اما جامعه اسرائیل که این سابقه و همبستگی را ندارد و این مخاطره را هم دارد که از هم بپاشد. همان‌طور که در جنگ هشت ساله دیدیم در جنگ ۱۲ روزه نیز انسجام ملی تقویت شد. سرمایه اجتماعی و انسجام ملی ممکن است دستخوش تغییر شود اما اکنون در یک فرصت تاریخی قرار داریم. اکنون زمانی است که جامعه ایران باید ضعف‌ها، کاستی‌ها و ناکارآمدی‌های خود را جبران کند. اگر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را تقویت کنیم جامعه ایران قوی‌تر می‌شود و اگر خودمان به اختلافات اصلی و فرعی دامن نزنیم انسجام ملی در معرض تهدید قرار می‌گیرد.

آیا ممکن است انسجام و همدلی آسیب ببیند و چند قطبی ایجاد شود. چه تحلیلی در این زمینه دارید؟

در این زمینه باید شرایط جامعه را آسیب‌شناسی دقیق‌تری کنیم، بخشی از رسانه‌ها متولی القای یأس و ناامیدی بوده که این مسئله انسجام و همبستگی ملی و سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد، متأسفانه برخی رسانه‌ها به دنبال رفتار زرد هستند و خود را متولی القای یأس و ناامیدی می‌دانند. البته انتقاد هرگز انکار نمی‌شود و ما همیشه گفته‌ایم رسانه‌ای همچون ایرنا باید منتقد مشوق باشد اما بخشی از رسانه‌ها انگار دنبال تضعیف گروه‌ها و القای بدبینی و ناامیدی هستند و این خود، انسجام ملی و سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد. تصور کنید در برابر آن همه انسجامی که رسانه می‌تواند ایجاد کند، چه خسارتی این رویکرد دارد. اینکه بگوییم: «شما بانی وضع موجود بوده‌اید، پس بروید کنار»، حرف غلطی است. هر کسی این حرف را بزند، اشتباه کرده است. در عین حال باید هماهنگ عمل کنیم.

جامعه ایران چشم بینا دارد و اگر ببیند ناکارآمدی‌ها جبران نمی‌شود، اعتمادش از بین می‌رود، نظر شما در این زمینه چیست؟

جامعه ایران چشم بینا دارد اگر ببیند کاستی‌ها و اشکالات قبلی اصلاح می‌شود، اعتماد و سرمایه اجتماعی تقویت می‌شود. اما اگر ببیند ناکارآمدی‌ها جبران نمی‌شود، سرمایه اجتماعی و انسجام ملی تضعیف می‌شود. باید با انتخابات، اطلاع‌رسانی و رسانه انسجام ملی را تقویت کنیم. هنرمندان، نخبگان اجتماعی و فرهنگی همه در این زمینه نقش دارند. اگر هنرمند خودش عرق ملی نداشته باشد نمی‌تواند انسجام ملی را تقویت کند. هنرمند می‌تواند امید ایجاد کند البته هیچ اشکالی ندارد که نقد هم بکند. باید تفاوت‌ها را در کشور به رسمیت بشناسیم، تفاوت نباید حذف شود، وجود تفاوت در



پیشنهادهای یک جامعه‌شناس برای حفظ و تقویت انسجام اجتماعی

زمان جبران کاستی‌ها است

گرفته تا منتقدان داخلی، هنرمندان و حتی برخی فعالان اپوزیسیون خارج از کشور، در آن مشارکت داشتند. این وحدت و همدلی به نقطه‌اتکابی برای دفاع از کشور تبدیل شد. دکتر سیدضیاء هاشمی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران در گفت‌وگویی با «ایرنا» به بررسی جوانب این پدیده پرداخته و تأکید کرده است که چنانچه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی تقویت شوند، جامعه به سوی استحکام و پویایی بیشتری خواهد رفت اما در صورت دامن زدن به اختلافات اصلی و فرعی، انسجام ملی با تهدید جدی مواجه خواهد شد.

اینکه خودش یک فرهیختگی دارد. این فرهنگ ممکن است با ارزش‌های گروه‌های مختلف انطباق نداشته باشد اما در نهایت جامعه ایرانی از دیرباز تکثر فرهنگی را پذیرفته و با آن زیسته است. ایران یک کشور متکثر است اما همه در مورد وطن دوستی اشتراک نظر دارند، نمی‌توانیم گفتمان‌های مختلف را با فشار داخلی یا خارجی در کشور حذف کنیم. البته همه‌های خارجی به دنبال تعمیق کسल‌های گفتمانی در ایران هستند اما موفق نمی‌شوند زیرا همه ایرانیان با هر گرایشی از یک دختر شیرازی تا یک خواننده لس‌آنجلسی در مورد مهن و وطن دوستی اشتراک نظر دارند.

با توجه به تهدیدات دشمنان مانند ترور دانشمندان و سرداران کشور، چگونه می‌توان انسجام ملی و هویت جمعی ایرانیان را در این شرایط حفظ و تقویت کرد؟

دشمن با ترور دانشمندان و سرداران، دانش و امنیت ما را هدف قرار داده است، مردم

گفت‌وگو

با حمله رژیم صهیونیستی به نقاط مختلف کشور، برخلاف برخی برآوردها و پیش‌بینی‌ها، آنچه رخ داد نه کنشگری مردم علیه حکومت، بلکه شکل‌گیری نوعی انسجام و اتحاد ملی در برابر دشمن خارجی بود؛ انسجامی که حول محور «ایران» شکل گرفت و طیف گسترده‌ای از جامعه، از حامیان نظام و افسار مختلف مردم

پس از تجاوز اسرائیل که حادثه‌ای تلخ و پرتنش بود، بسیاری از نخبگان، جامعه‌شناسان و تحلیلگران بر این باور بودند که در صورت حمله خارجی، ممکن است بخشی از جامعه تحرکاتی علیه نظام نشان دهد اما در عمل هیچ نشانه‌ای از چنین کنشگری مشاهده نشد بلکه موجی از اتحاد و همدلی در سطح کشور شکل گرفت. از نظر شما توصیف واقع‌بینانه وضعیت جامعه ایران و چگونگی شکل‌گیری این انسجام ملی در جریان حمله اسرائیل چیست؟

هویت ایرانی یعنی پیوند و تعلق به جامعه ایران و این پدیده‌ای اصیل است. پیشینه و قدمت آمریکا به چند سال نمی‌رسد اما ایران پیشینه هزاران ساله دارد و دارای ریشه و باور عمیق بوده. امروز هم اگر در جاهایی افرات و تقریط وجود داشته باشد، جامعه با آن همراهی نمی‌کند. جامعه ایرانی در مقابل اجبار فرهنگی مقاومت می‌کند، به دلیل

#دولت_کنار_مردم

همراه با ایستادگی ملت ایران، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف دولت همه تلاش‌ها و تدابیر خود را برای مدیریت کشور در شرایط جنگ تحمیلی و رفع و تأمین نیازهای مردم در حوزه‌های مختلف معطوف کردند. مجموعه اقدامات، تدابیر و برنامه‌های دولت را باید همچون زنجیره‌ای به هم پیوسته در نظر گرفت. زنجیره‌ای که یک سر آن به مرزها و کمرکات کشور برای تأمین و ورود کالاهای اساسی می‌رسد، یا یک سر آن به مزارع گندم و چای می‌رسد و سر دیگر آن به نام کالاهای اساسی و دارویی که مردم در شهرها و خیابان‌های خود دریافت می‌کنند. خدمت مهم‌تر دیگر دولت در این روزها، تأمین و پرداخت خسارت ایرانیانی است که در تجاوز دشمن، خانه و کاشانه خود را از دست داده‌اند یا خانه و کاشانه آنان آسیب دیده است. در این صفحه تلاش شده است بخشی از این اقدامات دولت، نه در قالب کلام، بلکه در قالب تصویر بیان شود.



خبر

آلبانیاز، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل:

حمایت از غزه را ادامه می‌دهم

گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در مصاحبه‌ای تأکید کرد خبر تحریم شدنش توسط دولت دونالد ترامپ برای او «شوک آور» بود اما او به رغم این اتفاق همچنان بر سر مواضعش در قبال جنگ غزه می‌ایستد.

«فرانچسکا آلبانیز»، گزارشگر حقوق بشری ویژه سازمان ملل برای فلسطین در مصاحبه‌ای با خبرگزاری آسوشیتدپرس تصریح کرد که قدرتمندان دنیا تلاش دارند او را ساکت کنند چون «از بی پناهانی دفاع می‌کند که تنها امیدشان این است که نمیرند و کشتار بچه‌های خودشان را نبینند.»

وزارت امور خارجه آمریکا اخیراً تصمیم به تحریم آلبانیز، گزارشگر حقوق بشری ویژه سازمان ملل برای فلسطین گرفت. این وکیل ایتالیایی در امور حقوق بشر با محکوم کردن جنایت رژیم صهیونیستی در نوار غزه صراحتاً تأکید کرده که این رژیم مرتکب نسل‌کشی علیه فلسطینی‌ها شده است. این مواضع او اعتراض شدید اسرائیل و متحد شماره یک آن، ایالات متحده را موجب شده است.

آلبانیز در مصاحبه با آسوشیتدپرس مقامات آمریکایی را متهم کرد که با احترام از نتانیاهوی که از سوی دیوان بین المللی کیفری به عنوان یک جنایتکار جنگی معرفی شده وحت تعقیب قرار گرفته، استقبال کرده و کنارش ایستاند؛ دیوانی که نه ایالات متحده و نه اسرائیل آن را به رسمیت نمی‌شناسند. ترامپ در ماه فوریه تحریم‌هایی را علیه این دادگاه اعمال کرد. آلبانیز گفت: «ما باید این روند را معکوس کنیم و برای اینکه این اتفاق را رقم بزنیم باید متحد بناییم. آنها نمی‌توانند همه ما را ساکت کنند. آنها نمی‌توانند همه ما را بکشند. آنها نمی‌توانند همه ما را اخراج کنند.»

او که این مصاحبه را در محل فرودگاه ساریاویو انجام می‌داد با تأکید براینکه مواضع دولت دونالد ترامپ «عادی نیست»، گفت: «تا زمانی که فلسطین آزاد نشود هیچ کس آزاد نیست.» آلبانیز همچنین در واکنش به خبر تحریم شدنش توسط دولت ترامپ، در ایکس نوشت: «مجازات ناتوانان از سوی قدرتمندان، نشانه قدرت نیست، بلکه نشانه گناه است.» او نوشت: «بباید با هم متحد شویم» و از ناظران بین‌المللی خواست تا

بر بحران داخل غزه تمرکز کنند. او نوشت: «همه نگاه‌ها باید به غزه باشد، جایی که کودکان در آغوش مادرانشان از گرسنگی می‌میرند، در حالی که پدران و خواهران و برادرانشان وقتی که به دنبال غذا هستند، بمباران و تکه‌تکه می‌شوند.» این وکیل حقوق بشر، بارها خواستار پایان

دادن به «نسل‌کشی» اسرائیل علیه فلسطینیان در غزه شده است. او همچنین گفت که از اقدام ایالات متحده علیه خود معروب و ساکت نخواهد شد. این گزارشگر ویژه گفت که تأتیک‌های واشنگتن او را به یاد «کنیک‌های ارباب مافیا» می‌اندازد و سپس اظهار کرد که «تحریم‌ها فقط در صورتی مؤثر خواهند بود که مردم بترسند و با مشارکت دست بکشند.» می‌خواهم به همه یادآوری کنم که دلیل اعمال این تحریم‌ها، پیگیری عدالت است.»

او افزود: «البته که من از اسرائیل انتقاد کرده‌ام. اسرائیل مرتکب نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی شده است.»

گزارشگر سازمان ملل متحد خاطرنشان کرد که جنایاتی که در غزه مرتکب می‌شوند، نه تنها به «عاطلی‌های ارضی می‌چون وچرای اسرائیل» و حمایت

حامیان آن، بلکه به «شرکت‌هایی که از آن سود می‌برند» نیز مربوط می‌شود.

۶۶

عامل اصلی در

جنجال مربوط

به میزان آسیب

به تأسیسات

هسته‌ای ایران

خود ترامپ

است. اظهارات

او مبنی بر

نابودی این

تأسیسات

صرفاً لفاظی

بود. این

تاکتیکی است

که ترامپ از روی

کوهن، استادش

آموخت:

صرف‌نظر از

شرایط، چیزی

را بگو که به نفع

توست و آن را

به قدری تکرار

کن تا واقعیت

ساخته‌شده

تو به واقعیت

دیگران تبدیل

شود

طولانی‌تری می‌کند. اما این برای کسانی که بیشتر به دنبال امتیازگیری سیاسی هستند تا مواجهه با

برنامه هسته‌ای ایران، اهمیتی نداشت.

نتیجه بحث و تبادل‌نظر در مورد میزان خسارت بمباران (حتی اگر بتوان آن را بحث نامید) نگران‌کننده و آشناست. واشنگتن در روایت درباره حملات دارد؛ اول، موفقیتی که ظرفیت ایران هسته‌ای را پایان داد و دوم، شکستی که خطرگریز هسته‌ای ایران و انتقام سخت از حملات آمریکا و اسرائیل را افزایش می‌دهد. هر روایت پاسخ سیاست متفاوتی را می‌طلبد، اما تصور اجماع بر سربگی از این دو برای اتخاذ رویکردی منسجم دشوار است.

به نظر می‌رسد برخی ناظران از دنبال کردن تحلیل‌ها تا نتایج منطقی آنها، شاید به دلیل ترس از پیامدهای شخصی یا حرفه‌ای، اگره دارند. برای مثال، آیا هیچ‌یک از حامیان ترامپ پرسیده‌اند: «اگر برنامه ایران کاملاً نابود شده، چرا رئیس‌جمهوری پیشنهاد مذاکره با ایرانی‌ها را می‌دهد؟ چه چیزی برای مذاکره باقی‌مانده؟»

خیر، همه به روایت ترامپ پایبند مانده‌اند.

مخالفان رئیس‌جمهوری نیز نگفته‌اند: «اگر

ارزیابی اخیر پنتاگون درست باشد، این عملیات برنامه هسته‌ای ایران را تا دو سال عقب انداخته است.» این پرسش‌ها و اظهارنظرها کاملاً معقول بوده و می‌توانند مبنایی برای اجماع در مسیر پیش رو باشند، اما سیاست و فرزند نامشروع آن، یعنی ژست‌گیری در رسانه‌های اجتماعی، این امر را بسیار دشوارتر از آنچه باید باشد، کرده است.

هرچه بر تبادل‌نظرهای امنیت ملی و سیاست خارجی واشنگتن تأکید شود، کم است. سیاست همیشه وجود داشته و خواهد داشت، اما در گذشته همه‌چیز به نبرد روایت‌ها مربوط نبود. بحث‌های متفکرانه و اغلب داغی درباره استقرار موشک‌های هسته‌ای میان برد در اروپا و گسترش ناتو وجود داشت. امروزه مردم بیشتر به پروراندن روایت مورد علاقه خود مشغول هستند.

وقتی این روایت با واقعیت‌های عینی در تضاد باشد چه اتفاقی می‌افتد؟ هیچ. ترامپ همچنان ادعا می‌کند که برنامه ایران نابود شده و این ادعا هیچ پایدی برای او نداشته است. این افراد بدون بازنگری در مفروضات قبلی خود، با سادگی به سراغ موضوع بعدی می‌روند.

ممکن است خوانندگان قدیمی از تکرار این موضوع خسته شده باشند که برای داشتن سیاست خارجی خوب، رهبران به مفروضات درست درباره جهان نیاز دارند. اما وقتی واشنگتن غرق در تحلیل‌های روایت‌محور است، ایجاد چنین مفروضاتی بسیار دشوار است. در عوض، فقط با واقعیت‌های رقیب روبرو می‌شویم که آنها نیز بهره‌ای از واقعیت نبرده‌اند.

منبع: Foreign Policy



اساس اظهارات ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا که گفته بود این تأسیسات «کاملاً نابود» شده‌اند نظری می‌دهند، در حالی که اطلاعات دقیقی درباره ابعاد صدمه وجود ندارد. نویسنده معتقد است که در جامعه سیاست خارجی آمریکا، تحلیل‌ها بیشتر بر روایت‌ها و دیدگاه‌های شخصی تکیه دارند تا بر حقایق و داده‌های واقعی. به زعم کوک، سیاست خارجی آمریکا باید بر پایه حقایق و تحلیل‌های واقعی باشد، نه روایت‌های ساختگی یا سیاسی. به همین دلیل، اختلافات سیاسی و رقابت‌های رسانه‌ای باعث شده‌اند که تصمیم‌گیری درباره مسائل مهمی مانند برنامه هسته‌ای ایران دشوار و ناکارآمد شود. نتیجه این وضعیت، ایجاد چند واقعیت متناقض است که در نهایت هیچ واقعیت قابل اتکایی نیست. متن این یادداشت در ادامه آمده است.

جهان‌بینی‌شان ایجاد می‌کند، برای سیاست خارجی آمریکا زیان‌بار است. ایده «توقف سیاست در مرزهای آبی»، به معنای حفظ اختلافات داخلی در کشور و نکشاندن آن به مسائل جهانی که واشنگتن در دهه ۱۹۴۰ و سناتور آرتور وندنبرگ بازمی‌کرد، امروزه اغلب بدون توجه به ظرفت اصلی گفته او به کار می‌رود که بر اهمیت بحث و تبادل‌نظر داخلی برای ایجاد هدف واحد در امور بین‌المللی تأکید داشت. وندنبرگ احتمالاً از وضعیت کنونی واشنگتن وحشت‌زده می‌شد. در دنیای امروز، نه تبادل‌نظری وجود دارد و نه وحدتی. در نتیجه، واشنگتن در معرض خطر پیشبرد سیاست‌هایی بوده که با چالش‌های واقعی پیش روی ایالات متحده همخوانی ندارد.

عامل اصلی در جنجال مربوط به میزان خسارت وارده به تأسیسات هسته‌ای ایران در اصفهان، فردو و نطنز خود ترامپ است. اظهارات ۲۱ ژوئن او مبنی بر نابودی تأسیسات هسته‌ای ایران صرفاً لفاظی بود. این تاکتیکی است که ترامپ از روی کوهن، استادش آموخت: «صرف‌نظر از شرایط، چیزی را

اگرچه در جنگ‌های مدرن و نسل جدید نبردها، روایت همیای میدان نقش‌آفرینی و بخش مهمی از جنگ را به عنوان فتح اذهان و القای شکست در طرف مقابل تشکیل می‌دهد

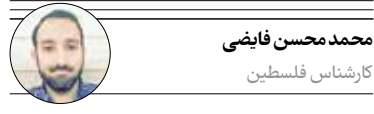
اما تکیه صرف به روایت‌سازی در یک فضای انتزاعی می‌تواند کارکرد روایت را بی‌اثر کند. استیون کوک، تحلیلگر سیاست خارجی و پژوهشگر شورای روابط خارجی آمریکا معتقد است دونالد ترامپ دقیقاً مشغول چنین خنثی‌سازی است. او در آخرین یادداشت خود در فارن پالیسی به نقد بحث‌های اخیر درباره میزان خسارت حملات هوایی آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران می‌پردازد. او این بحث‌ها را «پوچ» توصیف می‌کند چون اکثر افراد فقط بر

یکی از همکارانم که اغلب در بیان کلمات مهارت دارد، بحث اخیر درباره میزان خسارت وارده به سه سایت اصلی هسته‌ای ایران را «ضعف» توصیف کرد. این توصیف کاملاً درست بود، به ویژه از آن‌روی که اکثر افرادی که در این بحث شرکت داشتند، هیچ اطلاعاتی جز ادعای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا مبنی بر «نابودی کامل» تأسیسات هسته‌ای این کشور بر اثر حمله بمبافکن‌های آمریکایی و گزارش از تأسیسات دفاعی (دی‌آی‌آی) که به شبکه سی‌ان‌ان درز شده و روایتی متفاوت ارائه می‌دهد، ندارند.

اما این گفت‌وگوی بی‌محتوا درباره وضعیت برنامه هسته‌ای ایران از آنچه به نظر می‌رسد، بدتر است. فارغ از مشکل نبود داده‌های معتبر، این مناقشه نشان‌دهنده گرایش مخرب در جامعه سیاست خارجی شامل رهبران منتخب، تحلیلگران سیاست خارجی و روزنامه‌نگاران بوده که به جای توضیحات مبتنی بر واقعیت، روایت‌سازی را ترجیح می‌دهند. این تحلیل روایت‌محور که به شکلی اجتناب‌ناپذیر، واقعیت‌های متفاوتی را برای افراد بر اساس

آتش بس در غزه نزدیک است؟

بدون روتوش



در روزهای اخیر خبرهای زیادی حول عملیات‌های نیروهای مقاومت و همچنین مذاکرات در قطر برای آتش بس منتشر شده است. خبرها حول مذاکرات چنان برجسته و پر تعداد شد که برخی رسانه‌های عبری از احتمال اعلام آتش بس یا رسیدن به یک موافقت اولیه دوطرفه حول متن توافق در کاخ سفید با حضور نتانیاهو و ترامپ خبر می‌دادند.

با پایان سفر نتانیاهو در روز جمعه علی‌رغم تمدید دو روزه خبری از توافق نشد؛ اما مذاکرات حول آتش بس ۶۰ روزه برای آزادی ۱۰ اسیر زنده اسرائیلی از ۲۰ اسیر و چگونگی حضور و عقب‌نشینی نیروهای ارتش اسرائیلی از مناطق اشغال شده نوارغزه در جریان است. اکنون صهیونیست‌ها پس از بازگشت به جنگ و عدم ادامه آتش بس پیشین از ابتدای سال ۱۴۰۴، مدعی اند حدود ۶۵ درصد نوارغزه را در تسلط و حضور نظامی دارند.

اما این تسلط تقریباً هیچ دستاورد راهبردی‌ای جز تغییر روش توزیع کالاهای بشردوستانه و انتقال آن به یک سازمان آمریکایی‌با هدف تحقیر و تشدید فشار روانی اجتماعی با کشتار در مراکز توزیع کالا برای صهیونیست‌ها نداشته است. البته ناگفته نماند حدود ۱۰ جسد اسیر اسرائیلی هم در این مدت از سوی ارتش اسرائیل پیدا و به داخل سرزمین‌های اشغالی منتقل شده است.

اما عملیات ارابه‌های کیدئون ارتش هدفش تسلیم کردن حماس و آزادی اسرا بدون توافق ذکر شده بود؛ چیزی که البته هنوز هم نتانیاهو بر آن اصرار دارد و معتقد است که آتش بس تنها زمانی دائمی خواهد شد که حماس سلاح را

برزمین بگذارد و کنترل نوارغزه چه سیاسی و چه نظامی را واگذار کند.

اما چه شد که بار دیگر سخن از آتش بس مطرح است. مسأله اول به فضای داخلی رژیم صهیونیستی برمی‌گردد. نتانیاهو با آنکه پس از جنگ با ایران، با فشار داخلی کمتری از سوی متحدانش برای آتش بس در غزه روبرو است،

اما در فضای داخلی و افکارعمومی با یک پرسش جدی در چرایی ادامه طولانی مدت جنگ در غزه دست و پنجه نرم می‌کند. آخرین نظرسنجی کانال ۱۲ نشان می‌دهد که ۸۲ درصد با توقف جنگ و تبادل اسرا موافق‌اند و تنها ۱۲ درصد مخالف‌اند. ۶ درصد هم گزینه نمی‌دانم را انتخاب



کرده‌اند که نشان می‌دهد یک انسجام کامل در اسرائیل در لزوم و فرارسیدن زمان پایان جنگ در غزه شکل گرفته است.

دلیل دیگر جدی‌تر شدن آتش بس، فشار تصمیم‌گیران ارتش اسرائیل برای پایان دادن به نبرد در غزه است. صهیونیست‌ها پس از بازگشت به جنگ با تغییر راهبرد نظامی حماس روبرو به شدند. رئیس پیشین عملیات ارتش اسرائیل در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان تأکید می‌کند: «حماس در قالب سلول‌های کوچک فعالیت می‌کند و مواد منفجره‌های منفجر شده در

وقوع ۲ کمین دیگر برای اشغالگران در خان‌یونس و الشجاعیه

بیمارستان‌های تل هاشومر، بیلینسون، سوروکا و اخیلوف رسیده‌اند. طبق گزارش رسانه‌های اسرائیلی، روز گذشته نبردهای شدید رو در رو در نوار غزه در جریان بوده است.

همزمان، شاهدان عینی از پروازهای کم‌ارتفاع و مکرر جنگنده‌ها و بالگردهای نظامی رژیم صهیونیستی بر فراز مناطق شمالی خان‌یونس خبر دادند. وبسایت صهیونیستی «واللا» گزارش داد که یک نظامی ارتش رژیم اشغالگر در جریان نبردها با مقاومت فلسطین در شمال نوار غزه به‌شدت زخمی شده است. جزئیات بیشتری از ماهیت این

حوادث از سوی ارتش رژیم صهیونیستی منتشر نشد، اما منابع میدانی از احتمال وقوع کمین یا درگیری مسلحانه در مناطق مذکور سخن گفته‌اند.

همزمان با این حادثه، گردان‌های «شهید عزالدین القسام» شاخه نظامی جنبش حماس از هدف قرار دادن دو بولدور نظامی ارتش رژیم صهیونیستی از نوع «D9» در محله «الزیتون» شهر غزه خبر داد.

این در حالی است که عملیات مقاومت فلسطین در روزهای اخیر در مناطق مختلف غزه شدت گرفته و ضربات سنگینی به نیروهای متجاوز وارد شده است.

شرایط فروش

شرایط فروش ایگل اعلام شد



شرکت کرمان موتور از فروش خودرو جدید ایگل از ۲۱ تیرماه به مدت ۱۰ روز خبر داد. دومین طرح فروش خودرو جدید ایگل کرمان موتور از ۲۱ تیرماه آغاز می‌شود. براساس اعلام شرکت کرمان موتور، فروش خودرو ایگل با قیمت ۹۹۲ میلیون تومان از ۲۱ تیرماه ۱۴۰۴ آغاز و تا ۳۱ تیرماه ماه به صورت نقد و اقساط در دسترس متقاضیان خواهد بود. هم در فروش نقدی و هم اقساطی خودرو ایگل، این محصول در مدت زمان ۹۰ روز کاری تحویل خریداران می‌شود. متقاضیان در روش اقساطی نیزبا پیش پرداخت ۴۰۰ یا ۷۰۰ میلیون تومان می‌توانند در اقساط ۱۲ بکار قدرت در ۶۰۰۰ دور در دقیقه و ۱۳۷ نیوتن مترگشتاور در ۴۸۰۰ دور در دقیقه را دارد. این خودرو همچنین از جعبه دنده اتوماتیک نوع CVT بهره می‌برد. کی‌ام‌سی ایگل در بخش تجهیزات و امکانات، به مجموعه‌ای شامل کیسه هوای راننده و سرنشین جلو، سیستم ضد سرقت، قفل مرکزی و قفل شدن اتوماتیک درها می‌باشد. همچنین، این خودرو به سیستم پایش فشار باد تایرها (TPMS) و سنسور دنده عقب مجهز است.

ماشین وارداتی

واردات فولکس واگن تیگوان L پرو برای جانبازان



با باز شدن مجدد واردات خودرو، شاهد ورود برندهای جذابی برای جانبازان هستیم. واردات از برند مشهور فولکس نیز شامل این موضوع می‌شود. یک شرکت وارداتی خبر از ورود فولکس واگن تیگوان L پرو، کراس اوور وارداتی داده و شرایط فروش را نیز اعلام کرده است. این کراس‌اوور وارداتی را جانبازان ۷۰ درصد عادی می‌توانند برای ثبت‌نام و خرید اقدام کنند. از مهم‌ترین امکانات و آپشن‌های تیگوان جدید می‌توان به رادار بین خطوط فعال، رادار نقطه کور، ترمز اضطراری اتوماتیک، هشدار برخورد از جلو، کروزر کنترل تطبیقی، کلاستر دیجیتال، ترمز پارک برقی، اتوهلد، دو مانیتور، حالت‌های رانندگی، تهویه اتوماتیک سه کاناله، شارژر وایرلس، صندلی‌های جلو برقی، گرم‌کن و سردکن صندلی‌های جلو و... اشاره کرد. فولکس واگن تیگوان L پرو به پیشرانه ۲ لیتری توربوشارژر مجهز شده که ۲۲۰ اسب بخار قدرت و ۳۵۰ نیوتن‌متر گشتاور تولید می‌کند. خروجی پیشرانه از طریق گیربکس ۷ سرعته دوکلاچه اتوماتیک به سامانه چهار چرخ محرک منتقل می‌شود. شتاب صفر تا صد خودرو معادل ۷٫۵ ثانیه اعلام شده است. تعلیق جلو مک‌فرسون و تعلیق عقب مولتی لینک است. مصرف سوخت ترکیبی این کراس‌اوور در هر ۱۰۰ کیلومتر تنها ۷٫۶۹ لیتر است. تیپ دو دیفرانسیل (4Motion) ۳۰ هزار یورو (۴ میلیارد تومان علی‌الحساب) است.

بازار خودرو



کاهش سنگین قیمت خودرو

بازار خودرو در چند هفته اخیر شاهد کاهش قابل توجهی در قیمت‌ها بوده است. بر همین اساس، روز گذشته نیزاین بازار با روند کاهشی قیمت‌هاآغاز شد و به مسیر نزولی خود ادامه داد. تارا اتوماتیک ۷4 مدل ۱۴۰۴ با کاهش ۵۰ میلیون تومانی به یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان در بازار آزاد رسید. پژو ۲۰۷ پانوراما دنده‌ای مدل ۱۴۰۴ در بازار با کاهش ۱۰ میلیون تومانی، ۹۲۰ میلیون تومان قیمت خورد.

قیمت خودروهای مونتاژی

فونیکس تیگو ۷ پرو مکس ۱٫۶ لیتر مدل ۱۴۰۳ با کاهش ۵۰ میلیون تومانی ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان معامله شد. ام‌وی‌ام X33 کراس دنده‌ای مدل ۱۴۰۳ نیز با کاهش ۴۵ میلیون تومانی یک میلیارد و ۱۵۰ میلیون تومان قیمت خورد.

قیمت خودروهای وارداتی

کیا سونت ۱٫۵ لیتر در سامانه عرضه خودروهای وارداتی ۲ میلیارد و ۱۶۶ میلیون تومان و در بازار آزاد با کاهش ۵۰ میلیون تومانی از ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان به ۲ میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان رسید. فولکس تی راک ۱٫۵ لیترتوربو در سامانه ۳ میلیارد و ۸۵۶ میلیون تومان و در بازار آزاد با کاهش ۱۰۰ میلیون تومانی از ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان به ۴ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان رسید.

دو کارشناس موفقیت‌های دولت در بازار خودرو را ارزیابی کردند

از شکست تابوی خصوصی سازی تا تسهیل واردات

گزارش

یاسمن صادقی شیرازی

گروه خودرو

با گذشت یکسال از آغاز به کار دولت چهاردهم اجرایی شدن وعده خصوصی سازی صنایع خودروسازی و تسهیل واردات خودرو را می‌توان از جمله موفقیت‌های این دولت در بازار خودرو دانست. بهمن‌ماه سال گذشته پس از سال‌ها، مدیریت بزرگ‌ترین شرکت خودروسازی ایران به بخش خصوصی واگذار شد و حالا همه در انتظار آن هستند که این اقدام سرآغاز تحولات مثبت در صنعت خودروسازی ایران باشد. همچنین، آیین‌نامه‌ای که خردادماه در دولت تصویب شد نوید واردات خودرو توسط ایرانیان مقیم خارج از کشور، واردات خودروی کارکرده و همچنین واردات خودروی بالای ۲۵۰۰ سی‌سی را می‌دهد که در نوع خود اتفاق قابل توجهی به شمار می‌رود.

اگرچه اجرایی شدن این آیین‌نامه یا روند کامل خصوصی سازی با موانع و مشکلاتی همراه است اما این تصمیم‌ها در حکم باز کردن راهی است که در نهایت رضایت تولیدکننده و مصرف‌کننده حاصل شود. در این گزارش با دو کارشناس حوزه خودرو درباره دستاوردهای خودرویی دولت چهاردهم گفت‌وگو کرده‌ایم.

شعاری که دولت آن را محقق کرد

عمادالدین جعفری، کارشناس حوزه خودرو، به بررسی دستاوردهای خودرو، در این حوزه پرداخته و خصوصی سازی را به عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دولت چهاردهم دانست و گفت: «موضوع خصوصی سازی خودرو از سال ۸۲

به عنوان یک برنامه در تمامی دولت‌ها مطرح بوده، اما متأسفانه در حد شعار باقی مانده بود. در دولت جدید، این وعده به مرحله عمل درآمد. «با این حال، او تأکید کرد که خصوصی سازی به شکل کامل هنوز محقق نشده و تنها تقویتی اختیار صورت گرفته است. جعفری البته امیدوار است که در آینده این روند به طور کامل انجام شود تا مدیریت به دست خودروسازان و بخش خصوصی واگذار شود.

اهمیت ادامه آزادسازی واردات خودرو

این کارشناس حوزه خودرو با اشاره به اهمیت آزادسازی واردات خودرو، معتقد است که این اقدام می‌تواند به فاصله گرفتن از قیمت‌های دستوری و شکل‌گیری یک بازار رقابتی واقعی کمک کند. جعفری گفت: «دولت باید قیمت‌گذاری را به خود خودروسازان بسپارد و همزمان واردات را آزاد کند تا رقابت واقعی شکل بگیرد. در این صورت، مردم می‌توانند به راحتی با قیمت مناسب خودرو بخرند. البته که شواهد امر نشان می‌دهد این اراده در دولت چهاردهم برای این موضوعات وجود دارد.»

تسهیل واردات خودرو

با بخشنامه اخیر

جعفری به بخشنامه اخیر دولت در زمینه واردات خودرو اشاره کرد و آن را یکی از اقدامات حمایتی مثبت برای بازار خودرو دانست و افزود: «این بخشنامه می‌تواند به عنوان یک محرک برای بازار خودرو عمل کند. اما واردات باید به صورت گسترده و نه قطره‌چکانی انجام شود تا نیاز جامعه به درستی تأمین شود.» او بر اهمیت تولید محصولات جدید و متنوع در کشور تأکید کرد و گفت: «برای اینکه مردم بتوانند خودروهایی با قیمت مناسب بخرند، باید محصولات بیشتری



عمادالدین جعفری، کارشناس حوزه خودرو، تمامی دولت‌ها، مدیریت بزرگ‌ترین شرکت خودروسازی ایران به بخش خصوصی واگذار شد و حالا همه در انتظار آن هستند که این اقدام سرآغاز تحولات مثبت در صنعت خودروسازی ایران باشد. همچنین، آیین‌نامه‌ای که خردادماه در دولت تصویب شد نوید واردات خودرو توسط ایرانیان مقیم خارج از کشور، واردات خودروی کارکرده و همچنین واردات خودروی بالای ۲۵۰۰ سی‌سی را می‌دهد که در نوع خود اتفاق قابل توجهی به شمار می‌رود.

تسهیل واردات خودرو

با بخشنامه اخیر

جعفری به بخشنامه اخیر دولت در زمینه واردات خودرو اشاره کرد و آن را یکی از اقدامات حمایتی مثبت برای بازار خودرو دانست و افزود: «این بخشنامه می‌تواند به عنوان یک محرک برای بازار خودرو عمل کند. اما واردات باید به صورت گسترده و نه قطره‌چکانی انجام شود تا نیاز جامعه به درستی تأمین شود.» او بر اهمیت تولید محصولات جدید و متنوع در کشور تأکید کرد و گفت: «برای اینکه مردم بتوانند خودروهایی با قیمت مناسب بخرند، باید محصولات بیشتری

او با اشاره به آیین‌نامه اخیر واردات خودرو، گفت: «یکی از اتفاقات مثبت این آیین‌نامه، تعرفه ۲۰ درصدی خودروهای ۱۵۰۰ سی‌سی است که باعث کاهش قیمت

خودروهای وارداتی در بازار شده است. همچنین بر اساس آیین‌نامه، واردات خودروهای ۲۵۰۰ سی‌سی طبق این تعرفه آزاد شده که به عنوان یک اتفاق بسیار مثبت دیگر می‌توان به آن اشاره کرد. هرچند لازم است تعرفه‌های واردات کاهش پیدا کنند تا بازار رونق بیشتری بگیرد.»

این کارشناس گفت: «واردات ماشین‌های صفر به بازار می‌تواند حباب قیمت خودروهای وارداتی و قدیمی در کشور را بشکند و به تدریج بازار خودرو را از رکود سنگین خارج کند.»

تحقق وعده واردات راه خروج بازار از رکود

اسد کریمی، رئیس اتحادیه صنف نمایشگاه‌داران و فروشندگان خودرو تهران، در گفت‌وگو با «ایران» به بررسی تحولات صنعت خودرو از زمان آغاز کار دولت پرداخت. او با اشاره به آیین‌نامه جدید واردات خودرو توسط دولت، گفت: «اگرچه هنوز برای قضاوت این آیین‌نامه کمی زود است، اما تحقق



مذاکرات واقعی باشد، مشکلات نیسان به خوبی شناخته شده است و مدیرعامل جدید آن، «ایوان اسپینوزا»، در حال بررسی گزینه‌های مختلفی برای نجات شرکت است. سال گذشته، نیسان تحت مدیریت متفاوت اعلام کرد ۹ هزار نفر را اخراج خواهد کرد، اما گزارشی از اوایل امسال نشان

خود بکاهد.

نیم کلاچ

میانبرهای درست مونتاژکاران

برای جذب مشتری

فروش اقساطی

راه خروج بازار از رکود

واقعیت این است بازار خودرو در رکود به سر می‌برد. خرید و فروش کمی انجام می‌شود و حتی افزایش ۱۵ درصدی قیمت‌ها نیز نتوانست بازار را از سکون خارج کند. اما بعد از شرایطی که کشور در یک ماه اخیر پشت سر گذاشت، مونتاژکاران دوباره ابتکار عمل را به دست گرفته و با اجرایی کردن شرایط فروش اقساطی سعی کردند در این بازار راکد، حرکتی ایجاد کنند. برای مصرف‌کننده‌ای که به دلیل شرایط اقتصادی توان این موضوع هم به نفع خودروساز است و هم به نفع مصرف‌کننده، شرکت‌ها با تعیین شرایط

اقساطی و دریافت پیش‌پرداخت و تعیین اقساط چندین ماهه توانسته‌اند شرایط فروش را بهتر کنند. در شرایط اقتصادی کنونی ایران که با تورم بالا و کاهش قدرت خرید مردم همراه است، فروش اقساطی خودرو توسط شرکت‌های مونتاژکننده داخلی می‌تواند نقش مهمی در ایجاد رونق نسبی در بازار خودرو ایفا کند. این روش فروش، نه تنها به نفع مصرف‌کننده است، بلکه از نظر اقتصادی و روانی نیز اثرات مثبتی بر کل بازار دارد. اوایل و مهم‌ترین مزیت فروش اقساطی برای مصرف‌کنندگان، افزایش دسترسی به خودرو است. بسیاری از خانواده‌ها با ظرفیت بیشتری فعالیت کنند که این روش نقدی خودرو می‌تواند نیاز خود را تهیه کنند؛ بدون آن که ناچار به استفاده از خودروهای فرسوده یا پریسک در بازار دست دوم شوند. از سوی دیگر، رونق فروش اقساطی باعث تحریک تقاضا در بازار خودرو می‌شود. این امر به تثبیت تولید شرکت‌های مونتاژکننده داخلی کمک می‌کند. با افزایش فروش، کارخانه‌ها می‌توانند با ظرفیت بیشتری فعالیت کنند که این سالانه با جلوگیری از رکود، اشتغال راهم حفظ می‌کند. همچنین در میان مدت با بالا رفتن نیاز تولید، ممکن است کاهش نسبی قیمت‌ها نیز محقق شود.

در شرایط فعلی که برخی خودروهای مونتاژی داخلی از نظر کیفیت و امکانات نسبت به گذشته بهبود یافته‌اند، فروش اقساطی می‌تواند داتقه بازار را نیز تغییر دهد و مردم را به خرید خودروهای جدیدتر و ایمن‌تر ترغیب کند. این کار در بلندمدت باعث ارتقای سطح فنی خودروهای در حال تردد در کشور و کاهش حوادث رانندگی می‌شود. از دیگر مزایای فروش اقساطی برای شرکت‌ها، مدیریت نقدینگی است. به جای آن که به دلیل کاهش قدرت خرید جامعه، انبارهای خودروها پرمانند، این روش به گردش مالی منظم‌تری منجر می‌شود. همچنین، چون اقساط معمولاً همراه با نرخ سود مشخص دریافت می‌شود، برای شرکت‌ها نیز سودآوری بیشتری نسبت به فروش نقدی صرف دارد. در مجموع، فروش اقساطی خودرو در ایران، یوزه‌ای از سوی شرکت‌های مونتاژکننده، راهکاری است که هم به حفظ تعادل بازار کمک می‌کند، هم به مصرف‌کننده فشار مالی کمتری وارد می‌کند و هم به پایداری تولید داخلی یاری می‌رساند.

با وجود چالش‌هایی مانند نرخ سود بالا یا نبود نظارت کافی، این مدل فروش در شرایط فعلی از معدود راه‌های مؤثر برای حفظ جریان عرضه و تقاضا در بازار خودروی ایران است. همچنین فروش اقساطی خودرو می‌تواند از نظر روانی نیز برای دولت مزیت داشته باشد. وقتی مردم حس می‌کنند که با وجود دشواری‌های اقتصادی هنوز می‌توانند با اقساط قابل پرداخت، صاحب خودرو شوند، اعتماد نسبی به دولت و سیاست‌های اقتصادی افزایش می‌یابد. در فضایی که امید اجتماعی آسیب دیده، چنین طرح‌هایی اگر به درستی عمل کنند، می‌توانند فضای عمومی را تا حدی آرام‌تر کنند. در مجموع، فروش اقساطی خودرو توسط مونتاژکنندگان داخلی، به شرط تنظیم‌گری دقیق، مزایای سه‌جانبه برای دولت، مصرف‌کننده و صنعت خودرو دارد و می‌تواند یکی از ابزارهای سیاست‌گذاری اقتصادی در دوره‌های رکود یا فشار تورمی محسوب شود.

سارا غضنفری

دبیر گروه خودرو

نگارنده

پیشنهاد خودرو

بک ایکس ۳ جمع و جور شهری مناسب بانوان

خودرو BAC X3 PRO یک کراس اوور کامپکت اصل با ظاهری جذاب، کم مصرف و با امکانات رفاهی مناسب و سیستم رانندگی هوشمند جهت سهولت رانندگی، ارتقای ایمنی سرنشینان خودرو می‌باشد که از سال ۱۴۰۲ در خط تولید شرکت کرمان موتور تولید می‌شود. بک X3 پرو دارای یک موتور ۱٫۵ لیتری تنفس طبیعی است. این پیشرانه می‌تواند نهایت قدرت ۱۰۴ اسب بخار و گشتاور نهایی ۱۴۰ نیوتن متر را تولید کند. همچنین از طریق جعبه دنده ۸ سرعته CVT به چرخ‌های جلو منتقل می‌کند. از نکته‌های مثبت این خودرو می‌توان به هماهنگی خوب میان موتور و گیربکس اشاره کرد. خودرویی مناسب برای طی کردن مسافت شهری که مناسب جوانان و بانوان است. با اینکه کابین بک X3 پرو، طراحی به نسبت ساده‌ای دارد و متریال پرمیوم نیست اما در عین سادگی، سبک طراحی بسیار درست و منطقی است. در بخش رودری‌های BAC X3 Pro، به طور کامل از پلاستیک خشک استفاده شده است. فقط روی دستگیره‌های سرنشینان جلو از متریال پارچه‌ای نرم استفاده شده است. اما با اینکه در این بخش از متریال خشک استفاده شده است، وجود طرح‌های گرافیکی کار شده روی رودری‌ها جلوه مناسبی را به این بخش داده است.



حوزه فاوا

■ محمد محسن صدر، معاون وزیر ارتباطات و رئیس سازمان فناوری اطلاعات ایران، از تعامل وزارت ارتباطات با پلتفرم‌های فعال در حوزه اقتصاد دیجیتال خبر داد و گفت: «وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در حوزه پلتفرم‌های خدمات‌رسان بیشتر نقش حمایتی ایفا می‌کند و ما وظیفه خود می‌دانیم در مسیر توسعه کسب‌وکار آنها بویژه در بخش زیرساخت، همراهی و حمایت لازم را داشته باشیم. همچنین اگر چالشی میان پلتفرم‌ها و نهادهای مختلف به وجود بیاید، ما به عنوان وزارت ارتباطات تسهیل‌گر تعامل میان آنها هستیم و با بررسی شکایات مردمی از این پلتفرم‌ها، تلاش می‌کنیم رضایت مردم تأمین شود.»

کوتاه از فناوری

■ محققان دانشگاه لاوال کانادا با کمک «علیرضا گراوند» پژوهشگر ایرانی، یک تراشه اپتیکی نوآورانه ابداع کرده‌اند که قادر به انتقال هزار گیگابایت بر ثانیه داده و مصرف مقدار اندکی انرژی است.

■ جام جهانی ورزش‌های الکترونیکی ۲۰۲۵ با میزبانی عربستان در شهر ریاض و با جایزه‌ای بی‌سابقه به ارزش بیش از ۷۰ میلیون دلار با میزبانی بیش از ۲ هزار بازیکن حرفه‌ای از ۲۰۰ باشگاه برتر جهان آغاز شد.

■ «سائوشی ناکاموتو»، خالق مرموز و ناشناخته بیت‌کوین، مالک ۱,۰۹۶ میلیون بیت‌کوین به ارزش ۱۰۸ میلیارد دلار به عنوان یازدهمین فرد ثروتمند جهان، از بیل گیتس هم ثروتمندتر شد.



■ «موکش آلمانی» ثروتمندترین مرد هند امیدوار است بتواند میلیون‌ها تلوزیون را در این کشور به رایانه شخصی تبدیل کند.

از هوش مصنوعی چه خبر؟

■ هوش مصنوعی به دقیق‌ترین زبان مصنوعی جهان چشیدن را آموزش داد. محققان یک دستگاه مبتنی بر گرافن ابداع کرده‌اند که می‌تواند با استفاده از هوش مصنوعی با دقت انسان بچشد.

■ جدیدترین نسخه دستیار هوش مصنوعی «گراک»، بیشتر اوقات پیش از پاسخ دادن به سؤالات با ایلان ماسک، مالک این هوش مصنوعی مشورت می‌کند.

■ «کیکی کی ۲»، رقیب هوش مصنوعی رایگان «دیپ‌سپیک» شد. اسنارتاپ هوش مصنوعی چینی «مون‌شات ای‌آی» یک مدل منبع باز منتشر کرده و به موجی از رقبا داخلی پیوسته که سعی دارند سهمی در بازار داخلی آن برای خود بیابند.

خبرهای علم

■ یک کودک فک ۸ ساله پس از احیای سیستم انرژی سلولی با یک درمان جدید، دوباره توانست راه برود.

■ دانشمندان موفق به ساخت اندام‌های مینیاتوری در آزمایشگاه شده‌اند که برای اولین بار توانایی رشد رگ‌های خونی خود را دارند. این اندامک‌ها که شبیه قلب، کبد، ریه و روده انسان هستند، می‌توانند کاربردهای گسترده‌ای در مطالعات رشد انسانی و آزمایش داروها داشته باشند.

■ محققان استرالیایی از هوش مصنوعی برای تولید پروتئین زیستی بهره گرفته‌اند که می‌تواند باکتری‌های مقاوم به آنتی‌بیوتیک مانند E. coli را از بین ببرد، این فرآیند راه را برای درمان بیماری‌هایی مانند سرطان و عفونت‌های مقاوم به آنتی‌بیوتیک هموار می‌کند.

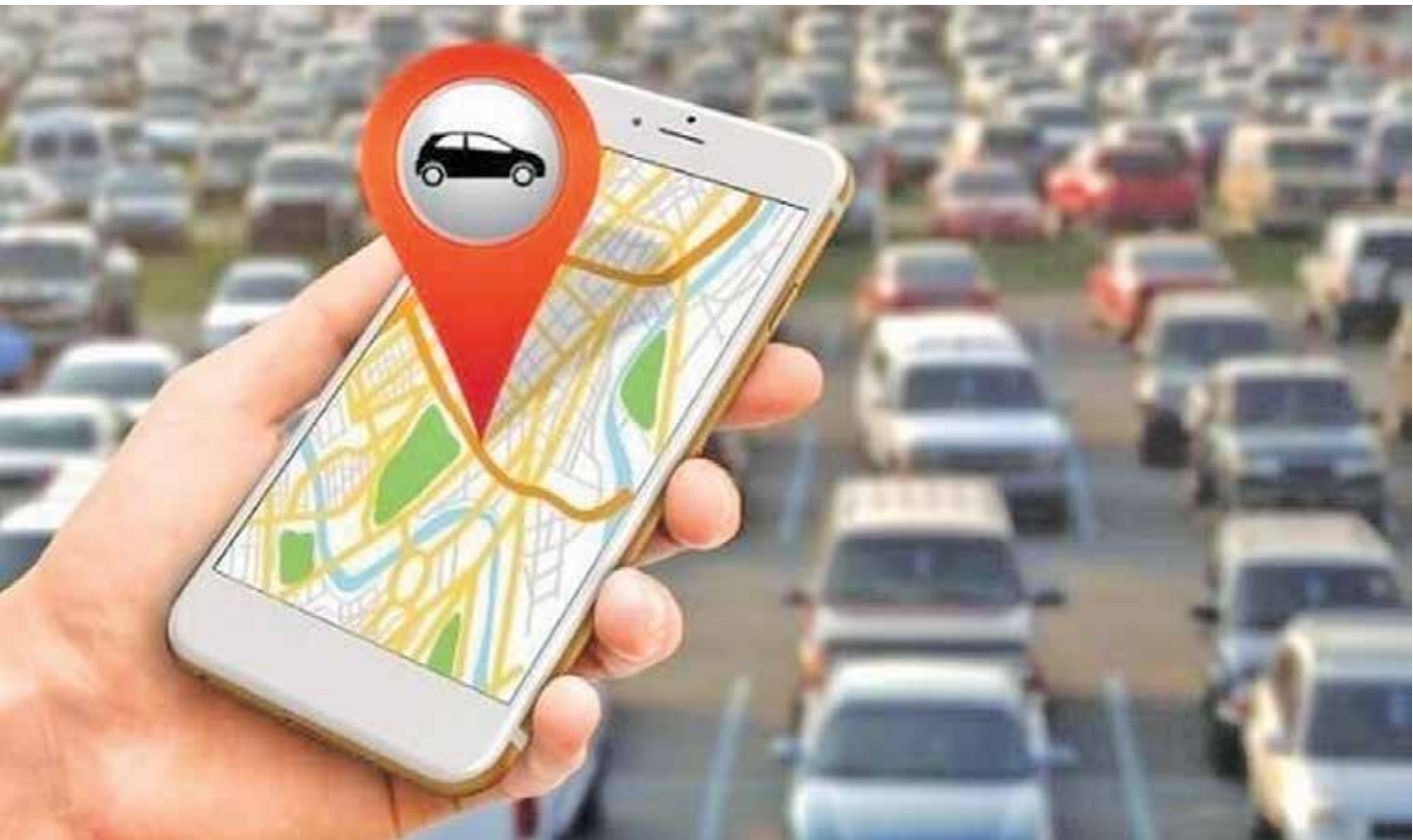
■ تیمی از محققان موفق به ساخت یک پروب (Probe) فلورسنت جدید شده‌اند که به طور اختصاصی به سلول‌های سرطانی کبد می‌چسبد و باعث می‌شود آنها زیر نور به رنگ زرد درخشان دیده شوند. این فناوری تشخیص دقیق مرز بین بافت سالم و تومور را با دقتی بالا ممکن می‌کند.

■ پژوهشگرانی در دانشگاه نیویورک در مطالعه‌ای جدید نشان داده‌اند که سروتونین موجود در روده می‌تواند نقش مهمی در درمان افسردگی و اضطراب ایفا کند، بدون آنکه عوارض جانبی رایج داروهای ضدافسردگی، مشکلات گوارشی ایجاد کند.

کپکشان

■ دانشمندان بر اساس آثار گرانشی، وجود سیاره‌ای فرضی ۱۰ برابر بزرگ‌تر از زمین را در لبه منظومه شمسی پیش‌بینی کرده‌اند. این جرم که سیاره نهم نام گرفته، ممکن است یک سال آن معادل ۲۰ هزار سال زمینی باشد.

■ ستاره‌شناسان معتقدند یک جسم فضایی جدید که به تازگی کشف شده، احتمالاً کهن‌ترین دنباله‌دار رصد شده به حساب می‌آید که قدمت آن از منظومه شمسی نیز بیشتر است.



عکس: IMIT

ایران به دنبال سیستم‌های موقعیت‌یاب بومی

جی پی اس مختل، مکان یاب آشفته و مردم کلافه‌اند

گزارش

محبوبه ستارزاده

گروه علم و فناوری

اگر شما هم راننده یکی از شرکت‌های اینترنتی یا مسافر یکی از این پلتفرم‌های آنلاین حمل‌ونقل شهری در پایتخت باشید، احتمالاً مدتی است با اختلال در مسیریابی مواجه شده‌اید؛ موضوعی که می‌تواند هم برای مسافرو هم برای راننده بسیار دردسرساز شود. این مشکل تنها دامان رانندگان تاکسی‌ها را نگرفته و شهروندان دیگر هم که به طور معمول برای یافتن مسیرهای مورد نظر خود، بدون نیاز به پرس‌و‌چو از دیگران، به اپلیکیشن‌های مسیریاب اتکا می‌کردند، حالا به دردسر افتاده‌اند. هر چند این اختلال‌ها بی‌سابقه نیست و پیش از این هم در مقاطعی، سیستم‌های مسیریاب دچار مشکل شده‌اند ولی این اختلال از زمان تجاوز و حشیانه رژیم صهیونیستی به ایران پررنگ‌تر و جدی‌تر شده و با وجود برقراری آتش بیس، مشکلات مرتبط با آن همچنان دیده می‌شود.

اختلال در جی‌پی‌اس‌ها

همه ما می‌دانیم که رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲ روزه به لوکیشن و موقعیت برخی افراد دسترسی پیدا کرد و آنها را به شهادت رساند. گفته می‌شود دستیابی به این لوکیشن‌ها از طریق سامانه موقعیت‌یابی جهانی آمریکایی (GPS) صورت گرفته و با توجه به خصومت این کشور با ایران، از اولین روز جنگ و در شرایط بحرانی آن روزها، ایجاد اختلال در این سیستم موقعیت‌یاب جهانی، ضروری به نظر می‌رسید.

علاوه بر این، برخی تجهیزات نظامی از جمله پهپادهای تجسسی، موشک‌ها و بمب‌های هدایت‌شونده هم به سیستم‌های موقعیت‌یاب باز و بدون رمزمتکی هستند و می‌توان با ایجاد اختلال در این سیستم موقعیت‌یاب، عملاً این پهپادها را فریب داد تا به هدف مورد نظر دشمن برخورد نکنند.

حتی می‌توان با دستکاری در جی‌پی‌اس، اهداف احتمالی دشمن را پنهان کرد و طرف مقابل را فریب داد. ایجاد اختلال در سامانه جی‌پی‌اس در شرایط بحرانی و اضطراری، تنها مختص ایران نیست و در جنگ کوتاه‌مدت هند و پاکستان، جنگ‌های عراق و... هم این اختلالات به دلایل امنیتی ایجاد شد.

با وجودی که همه شهروندان به خوبی لزوم برقراری امنیت را درک می‌کنند و به این امر

واقفند که در شرایط بحرانی قطع دسترسی به جی‌پی‌اس اجتناب‌ناپذیر است اما حالا با وجود گذشت چند روز از آتش بیس، معتقدند تداوم این امر می‌تواند بر زندگی روزمره آنها، حمل‌ونقل شهری و سامانه‌های هوشمند تأثیر منفی بگذارد؛ بویژه آنکه در خلال جنگ ۱۲ روزه، فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، اختلال در جی‌پی‌اس را طبیعی و به دلایل امنیتی عنوان و تأکید کرده بود که سامانه‌های مکان‌یابی «به زودی» به حالت عادی بازمی‌گردند.

حالا این اختلال نه تنها در اپلیکیشن‌های مسیریاب خارجی همچون «ویز»، که در نمونه‌های داخلی مانند «لد» و «نشان» هم دیده می‌شود و شهروندان با سردرگمی برای رسیدن به مقصد به دردسر افتاده‌اند. از تبعات اختلال در مسیریابی می‌توان به افزایش مصرف سوخت به دنبال افزایش زمان سفر و همچنین نارضایتی مسافران، کاهش درآمد پیک‌های موتور و رانندگان هم اشاره کرد.

لزام راه‌اندازی

سیستم‌های موقعیت‌یاب بومی

کارشناسان حوزه سایبری با دفاع از ایجاد اختلال عمدی در سیستم موقعیت‌یاب

در حال حاضر ما هنوز سیستم موقعیت‌یاب بومی نداریم، سیاست و راهبرد کلان دولت به سمت استفاده از سیستم موقعیت‌یاب چینی بیدو (Beidou) رفته که البته این موضوع هم موقتی است. حسین پور می‌گوید: «قرار است ۲-۳ ماهواره به فضا پرتاب شود تا زمینه ارائه سرویس موقعیت‌یاب بومی مهیا شود. به این ترتیب دسترسی به موقعیت‌ها بر اساس اولویت‌های سرویس‌ها و افراد، تعیین می‌شود. به عبارت دیگر، حریم خصوصی شهروندان عادی حفظ شده و داده و اسرار محل زندگی دانشمندان و فرماندهان نظامی فاش نمی‌شود.»

وی البته یادآور می‌شود ماهواره‌های ایرانی که فعلاً در مدار قرار گرفته‌اند بیشتر در حوزه عکسبرداری فعالیت دارند.

حسین‌پور با اشاره به اینکه این ماهواره‌ها فناوری‌های پیچیده‌تری نسبت به سیستم‌های موقعیت‌یاب دارند، می‌افزاید: «بی‌شک ایران می‌تواند به سیستم‌های موقعیت‌یاب بومی دسترسی پیدا کند و شاید حتی اگر نتوانیم در کوتاه‌مدت به این هدف برسیم، می‌توانیم در قالب همکاری مشترک با برخی کشورهای دوست، ماهواره‌هایی را به فضا ارسال کنیم.» حسین‌پور در ادامه با اشاره به مشکلات شهروندان در چنین شرایطی می‌افزاید: «قطعی و اختلال در اینترنت حتی می‌تواند شرایط را پیچیده‌تر کند چون در چنین موقعیتی، قابلیت A-GPS یا جی‌پی‌اس کمکی در گوشی‌های هوشمند هم از کار می‌افتد و کاربر از طریق این قابلیت نیز نمی‌تواند موقعیت جغرافیایی خود را شناسایی کند. در چنین شرایطی، گوشی صرفاً به سیگنال‌های ماهواره‌ای متکی می‌ماند که آن هم با تأخیر و خطا همراه است.»

اختلال در TD-LTE

موضوع دیگری که این روزها شهروندان را کلافه کرده، اختلال در سرویس TD-LTE یا نسل چهارم اینترنت ثابت است که در این زمینه هم انگشت اتهام به سوی GPS نشانه رفته و پاسخ رگولاتوری به گالیه یکی از شهروندان در این زمینه، نشان می‌دهد این گمانه‌زنی درست است و اختلال در جی‌پی‌اس منجر به اختلال در اینترنت TD-LTE شده است. به گفته کارشناسان، نسل چهارم اینترنت ثابت، برای زمان‌بندی دقیق، بشدت به GPS وابسته است. حسین‌پور به عنوان کارشناس امنیت سایبری و فعال حوزه مجازی در این باره می‌گوید: «برخلاف FDD-LTE که ارسال و دریافت همزمان است، TD-LTE همه چیز بر اساس زمان‌بندی بسیار دقیق انجام می‌گیرد و زمان بین ارسال و دریافت، تقسیم می‌شود. برای این زمان‌بندی، آنتن‌های TD-LTE از سیگنال GPS استفاده می‌کنند تا همه سلول‌های شبکه با هم سینک شوند. در واقع با اختلال در GPS و کاهش دقت در زمان‌بندی، سلول‌ها با هم نداخل پیدا می‌کنند و عملاً کیفیت سرویس بشدت کاهش می‌یابد و حتی در صورت اختلال شدید ممکن است ارائه سرویس مقذور نباشد و شاهد قطعی آن باشیم.»

✂

برش

سامانه موقعیت‌یابی جهانی (GPS) متشکل از ۲۴ ماهواره مجهز متعلق به وزارت دفاع دولت آمریکا است که اطراف زمین می‌چرخند و با استفاده از اطلاعات و داده‌های ریاضی، به گیرنده‌های جی‌پی‌اس برای مکان‌یابی و حتی تشخیص زمان کمک می‌کنند. اکنون تعداد ماهواره‌ها به بیش از ۳۰ عدد افزایش یافته است تا دقت عمل این سیستم را بیشتر کند. گفته می‌شود گوشی هوشمند یا هر دستگاه دارای گیرنده جی‌پی‌اس که برای پیدا کردن موقعیت فیزیکی از ماهواره سیگنال می‌گیرد، محاسباتش را بر اساس زمان فرستاده شدن این سیگنال‌ها و مکان قرارگیری ماهواره‌ها انجام می‌دهد. حالا اگر به هر دلیلی، ساعت‌های این ماهواره‌ها حتی به اندازه یک هزارم ثانیه، دقیق عمل نکنند، کاربر خود را به جایی خواهد یافت که حدود ۳۰۰ کیلومتر از مکان واقعی وی فاصله دارد. این دقیقاً اتفاقی است که در زمان اختلال جی‌پی‌اس رخ می‌دهد. در حال حاضر پنج کشور به علاوه اروپا، سیستم ماهواره‌ای مکان‌یابی دارند که در آمریکا از آن با نام «جی‌پی‌اس»، در روسیه با نام «گلوناس»، در چین با نام «بیدو» و در اتحادیه اروپا با نام «گالیله» از آن یاد می‌شود. در زاین و هند هم سیستم منطقه‌ای موقعیت‌یاب وجود دارد.

تغییرات اقلیمی، نابودکننده مرواریدهای آبی نیوزیلند

چالش‌های پرورش مروارید

در حال حاضر شرایط زیست‌محیطی مورد نیاز صدف‌های پائوا برای بقا و تولید مروارید در حال تغییر است و محققان به دنبال پرورش این مرواریدها هستند.

اما از آنجا که بخشی از پروسه پرورش این مرواریدها در دریا انجام می‌شود، باز هم صدف‌های تولیدکننده این مرواریدها، در نتیجه تغییرات اقلیمی در معرض خطر قرار دارند. پرورش مروارید پائوا، فرآیندی پرزحمت، دقیق و طولانی است.

صدف‌های پائوا به دنبال برداشت از اقیانوس، به مخازن مخصوص با دمای حدود ۱۶ درجه سانتیگراد منتقل و با جلبک دریایی پرآرد تغذیه می‌شوند تا شرایطی مطلوب برای شکل‌گیری مروارید فراهم شود.

در مرحله‌ای حساس و وقتی صدف‌ها هنوز جوان هستند، با دقت بسیار از آب بیرون آورده می‌شوند و گوشت آنها با احتیاط بالا زده شده و یک ایمپلنت کوچک در زیر صدف قرار می‌گیرد تا مروارید، روی آن شکل بگیرد. کوچک‌ترین آسیب در این فرآیند می‌تواند

صدف‌های رنگین‌کمانی در معرض خطر

در حالی که بسیاری از مرواریدهای جهان از صدف‌های آب شیرین چین یا مرواریدهای اوقویای ژاپن و مرواریدهای سیاه و طلایی استرالیا تأمین می‌شوند، اما نیوزیلند با صدف‌های منحصربفرد پائوا، سهم ویژه‌ای در تنوع زیستی و هنری جهان دارد.

حالا گرمایش زمین و اقیانوس‌ها نه تنها زیبایی این مرواریدها، بلکه بخشی از میراث فرهنگی و اقتصادی نیوزیلند را نشانه رفته است و دانشمندان معتقدند برای حفاظت از این ثروت بی‌بدیل، علاوه بر پژوهش‌های علمی و اقدامات حمایتی فوری، باید جهانیان توجه جدی‌تری به گرمایش کره زمین داشته باشند.

مرواریدهای پائوا در طیفی از رنگ‌های آبی، فیروزه‌ای، سبز و بنفش ظاهر می‌شوند و جلای رنگین‌کمانی دارند.

این همچنین هیچ دو مرواریدی دقیقاً مشابه هم نیستند و این ویژگی منحصربفرد، باعث شده تا این مرواریدها جایگاه خاصی در میان کلکسیون‌داران و جواهرسازان داشته باشند.

علم

آرزو کیهان

گروه علم و فناوری

با افزایش دمای آب اقیانوس‌ها در جهان، مرواریدهای آبی و منحصربفرد نیوزیلند در معرض خطر نابودی قرار گرفته‌اند.

این مرواریدها از صدف‌های «پالون» که مردم ماوئری نیوزیلند از آن با نام «پائوا» یاد می‌کنند و به دلیل رنگ استثنایی و زیبایی خاص خود، جایگاه ویژه‌ای در صنعت جواهرسازی و فرهنگ مردم نیوزیلند دارند، به دست می‌آیند. البته این افزایش دما، تنها نیوزیلند را تهدید نمی‌کند و در ایالت کالیفرنای آمریکا نیز نوعی صدف رنگین‌کمانی با این افزایش دما دست

و پنجه نرم می‌کند. این موجودات، بسیار آسیب‌پذیر هستند و تغییرات زیست‌محیطی بویژه افزایش دمای آب، می‌تواند به سرعت آنها را از چرخه حیات حذف کند.



فراهم کند اما ظاهراً با افزایش دمای اقیانوس‌ها، این تلاش‌ها دیگر کافی نیست. بنا برآمار رسمی، از سال ۱۹۸۲ تاکنون دمای سطح دریا در اطراف نیوزیلند هر دهه بین ۰.۱۶ تا ۰.۲۴ درجه سانتیگراد افزایش یافته است و این امر چالش‌های جدی برای صدف‌ها و همچنین پرورش‌دهندگان مروارید محسوب می‌شود.

موجب مرگ صدف شود. از هر پنج صدف پائوا، تنها یکی قادر است مرواریدی در سطح جواهر تولید کند و شکل‌گیری هر مروارید نیز به ۳ تا ۴ سال زمان نیاز دارد. یکی از شرکت‌های فعال در این زمینه، Arapawa Pearls است که در شمال نیوزیلند فعالیت دارد و با استفاده از مخازن خاص سعی دارد شرایط مطلوب زیستی برای صدف‌ها

گزارش



حضور معاون رئیس جمهور در پایانه مرزی دوغانرون

شان زنان و کودکان اتباع را باید حفظ کنیم

مهسا قوی قلب/ زهرا بهروزآذر معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده برای بررسی روند خروج اتباع غیرمجاز به خراسان رضوی و پایانه مرزی دوغانرون سفر کرد. بهروزآذر حفظ شان و کرامت انسانی اتباع را مهم‌ترین دغدغه دولت در خروج این افراد از کشور می‌داند و می‌گوید: «در روزهای اخیر شاهد خروج میهمانانی هستیم که متأسفانه نتوانستند به صورت قانونی در کشور حضور داشته باشند. به همین دلیل ما نمی‌توانیم بیشتر از این میزبان آنها باشیم، اما برای دولت بسیار مهم است که این عزیزان که همیشه برادران و خواهران ما بودند، در نهایت عزت و کرامت و احترام بتوانند به وطن خود بازگردند و در کشور خودشان واسطه خیر باشند.»

معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده با اشاره به بازدید میدانی خود از روند خروج اتباع غیرمجاز از مرز دوغانرون، می‌گوید: «در سمت مرز ایران مشکل جدی برای خروج اتباع وجود ندارد، مشکلاتی در آن سوی مرز و سمت افغانستان گزارش شده که امیدواریم با رایزنی‌های انجام‌شده این موضوع برطرف شود. هدف ما این است که خانواده‌های اتباع به خصوص زنان و کودکان در اوج کرامت و احترام و عزت خاک ایران را ترک کنند.» او با تأکید بر اینکه برای بردن وسایل منزل این افراد مشکلی وجود ندارد و در این خصوص هماهنگی‌های لازم انجام‌شده، درباره پس ندادن پول پیش خانه اتباع از طرف بعضی از صاحبخانه‌ها هم می‌گوید: «آمار چنین مواردی بسیار کم است، اما اگر کسی پول ودیعه مسکن خود را پس نگرفته باشد، اداره حقوقی بخش اتباع این مشکل را حل می‌کند. کسانی که درگیر این ماجرا هستند، چه زمانی که در مرز حضور دارند و چه وقتی از مرز رد شدند، می‌توانند به کشور خود بازگردند و مدارکی را که دارند ارائه بدهند. ما موارد را بررسی می‌کنیم و اجازه نمی‌دهیم درای از حق زیست و زندگی شرافتمندانه آنها پامال شود.»



امتحانات دانشگاه‌ها از سوم شهریور شروع می‌شود

غزل رضایی ثانی/ وزارت علوم یک ابلاغیه شش‌بندی برای دانشگاه‌ها ارسال کرده که یکی از بندهای مهم ابلاغیه زمان شروع و برگ‌زاری مجدد امتحانات عقب افتاده دانشجویان در شهریورماه است. طبق گفته رضا نقی‌زاده، مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، به دانشگاه‌های سراسر کشور تقویم اختیار شده که از سوم شهریورماه امتحانات خود را برگزار کنند و زمان‌بندی آن تا اتمام امتحانات به عهده دانشگاه‌هاست. البته تعدادی از دانشگاه‌های کشور پیش از شروع جنگ ۱۲ روزه امتحانات خود را شروع کرده بودند اما اتفاقاتی که رخ داد، منجر شد برگزاری امتحانات به زمان دیگری موکول شود. اما نقی‌زاده در پاسخ به این سؤال که برگزاری امتحانات در شهریورماه شروع سال تحصیلی جدید را به تأخیر نمی‌اندازد، می‌گوید: «نه، چنین اتفاقی نخواهد افتاد و سال تحصیلی جاری در موعد خود آغاز خواهد شد.» او درباره برگزاری امتحانات دانشجویان خارجی نیز توضیح می‌دهد: «امتحانات دانشجویان خارجی هم مانند دانشجویان ایرانی در شهریورماه جاری برگزار می‌شود.»

خیال کنکوری‌ها راحت شد

کارت ورود به کنکور هم صادر شد تا داوطلبان یک نفس راحت بکشند. طبق آخرین اعلام در سایت سازمان سنجش آموزش کشور، کارت‌های داوطلبان نوبت دوم کنکور سراسری ۱۴۰۴ از روز گذشته شنبه ۲۱ تیر منتشرشده و داوطلبان تا روز چهارشنبه ۲۵ تیرماه فرصت دارند برای دریافت کارت ورود به جلسه آزمون اقدام کنند. طبق اعلام رضا محمدی، رئیس سازمان سنجش آموزش کشور، نوبت دوم آزمون سراسری سال ۱۴۰۴ در گروه‌های آزمایشی علوم ریاضی و فنی و علوم انسانی صبح روز پنجشنبه ۲۶ تیرماه، گروه‌های آزمایشی هنر و زبان‌های خارجی بعدازظهر روز پنجشنبه ۲۶ تیرماه و گروه آزمایشی علوم تجربی صبح روز جمعه ۲۷ تیرماه در ۴۱۱ شهرستان و بخش مختلف کشور برگزار می‌شود.

زمان برگزاری آبلتس مشخص نیست

طبق پیگیری‌های روزنامه ایران، هنوز زمان برگزاری آزمون آبلتس مشخص نیست، همچنین خبرهایی از زمان اعلام نتیجه کنکور از سوی رسانه‌ها منتشر شده بود که مورد تأیید سازمان سنجش نیست. بر اساس واکنش مسئولان سازمان سنجش، فعلاً در حال برنامه‌ریزی برای برگزاری هر چه بهتر نوبت دوم کنکور سراسری هستند و پس از برگزاری کنکور، مراحل و اخبار بعدی به مرور به داوطلبان اعلام می‌شود.

ذهنی و روانی هستند و مقابله با آنها به هوشمندی، هم‌افزایی و مسئولیت‌پذیری گسترده نیاز دارد.» منتظری نقش خانواده‌ها، نظام آموزشی، دانشگاه‌ها و نهادهای دینی را در مقابله با جنگ شناختی بسیار مهم می‌داند و تأکید می‌کند: «مقابله با این جنگ فقط وظیفه دولت نیست، بلکه هر فرد و نهادی در جامعه باید نقش خود را ایفا کند. خانواده‌ها باید مهارت گفت‌وگو، اعتمادسازی و حمایت عاطفی را تقویت کنند. مدارس باید سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و مهارت‌های زندگی را به دانش‌آموزان بیاموزند. دانشگاه‌ها باید مراکز تحلیل، تولید روایت علمی و تربیت نخبگان مقاوم در برابر جنگ نرم باشند. نهادهای دینی هم باید با رویکرد اخلاق‌محور؛ تاب‌آوری، صبر، توکل و امید را در جامعه تقویت کنند.»

منتظری معتقد است سلامت جامعه ریشه در بنیان‌های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی دارد. او می‌گوید: «آرامش مردم موضوعی فراتر از یک مسأله فردی یا صرفاً درمانی است. انسجام ذهنی و فکری جامعه یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های ملی است که باید با مراقبت، آگاهی‌بخشی و همدلی حفظ شود. مردم ایران در بزرگه‌های تاریخی دشوار با تکیه بر ایمان، همبستگی، عقلانیت و سنت‌های اصیل ایرانی که اعتقادات اسلامی هم جزء لاینفک آن است، همواره توانسته‌اند با استفاده از آموزه‌هایی مانند صبر، توکل، امید، انصاف در قضاوت و پرهیز از شتاب‌زدگی، مسیر خود را با سربلندی طی کنند.» اینکه امروز بیش از هر زمان دیگری جامعه به آرامش، انسجام، روایت درست و گفت‌وگوی صمیمانه نیاز دارد، می‌گوید: «رسانه‌ها، خانواده‌ها، نخبگان و همه اقشار باید در برابر هجوم اخبار نادرست، روایت‌های مخرب و فضای پر تنش، با آرامش، دقت، عقلانیت و اخلاق پاسخ دهند. در هر طرفانی، آن که دلش قرص به خدا و پایبند به حقیقت باشد، زمین نمی‌خورد. حقیقت دیر یا زود آشکار می‌شود و آنچه می‌ماند، عزت‌مندی است که فریب را با آگاهی پاسخ داده است.»

هیجانی تمرکز دارد.» او با اشاره به تجربیات اخیر یادآور می‌شود: «انتشار اخبار ساختگی، کلیپ‌های جعلی، پیام‌های هشدارآمیز غیررسمی و روایت‌های احساسی، ابزارهای اصلی جنگ شناختی هستند. هدف این اقدامات، تحریف واقعیت، کاهش اعتماد اجتماعی و ایجاد بی‌ثباتی ذهنی و روانی در جامعه است. این موضوع آنقدر پیچیده شده که حتی برخی افراد تحصیل‌کرده نیز تحت‌تأثیر آن قرار می‌گیرند.» منتظری تأکید می‌کند: «مقابله با این تهدیدات فقط با اطلاع‌رسانی رسمی امکان‌پذیر نیست، باید با تقویت «جهاد تبیین»، روایت صحیح، آرام‌بخش و مبتنی بر واقعیت را به مردم ارائه کرد. رسانه‌های داخلی نقش حیاتی در آرام‌سازی افکار عمومی دارند و نباید با بازنشر هیجان‌زده اخبار تأیید نشده یا تکرار روایت‌های نگران‌کننده، ناخواسته در زمین دشمن بازی کنند.»

در برابر شایعات نباید سکوت کرد به گفته رئیس جهاد دانشگاهی، «در برابر شایعات نباید سکوت کرد، بلکه باید با تحلیل دقیق و زبانی اقناعی، روایت درست را جایگزین کرد.» او با بیان نمونه‌هایی از شایعات رایج جنگ روانی که با ظاهری مردمی و لحن دلسوزانه منتشر می‌شوند، می‌گوید: «شایعاتی مانند حمله قریب‌الوقوع به کلان‌شهرها، آلودگی آب شرب، قطع اینترنت خدمات عمومی، کمپاب شدن دارو و نان، تعطیلی پمپ‌بنزین‌ها، خروج مسئولان از کشور و سقوط قریب‌الوقوع دولت؛ معمولاً این پیام‌ها با عباراتی چون «از منبع موثق شنیده‌ام» یا «حتماً منتشر کنید قبل از پاک شدن»، منتشر می‌شوند تا احساسات عمومی را تحریک کنند و موجب اضطراب و بی‌اعتمادی شوند.» منتظری با اشاره به سخنان رهبر انقلاب در مهرماه ۱۴۰۱ می‌گوید: «جنگ شناختی بخشی از جنگ‌های ترکیبی است که شامل ترس، سخت، نرم، فرهنگی و عملیات ادراکی می‌شود. رهبر انقلاب بر ضرورت استفاده از روش‌های نوین در آموزش، تجهیزات نظامی و طراحی سناریوهای مقابله با این تهدیدها تأکید کرده‌اند. این هشدار نشان می‌دهد سلاح‌های دشمن، امروز



رئیس جهاد دانشگاهی در گفت و گو با «ایران» از تاکتیک‌های جنگ روانی در بحران‌های مهم گفت

هنر خنثی‌سازی فریب

گزارش

سمیه افشین‌فر

گروه اجتماعی

«ایرانیانی که نیاز به مشاوره پزشکی دارند، با شماره‌های اعلام‌شده تماس بگیرند و از امکان مشاوره آنلاین استفاده کنند.» این جملات در توضیح یک پست در فضای مجازی نوشته شده است. تا اینجا همه چیز عادی است، اما بلافاصله روابط عمومی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نسبت به ارائه اطلاعات به شماره‌های ناشناس هشدار می‌دهد و اعلام می‌کند موساد منتشرکننده این پست است.

این روش جزو روش‌هایی است که دشمن بعد از جنگ اخیر از طریق آنها به دنبال جذب جاسوس است. این پست و نمونه‌های دیگری از آن که این روزها بیشتر به چشم می‌خورند، از تاکتیک‌های جنگ روانی به شمار می‌روند. اما جنگ روانی چیست و شناخت آن در این روزهای پسا‌جنگ چه اهمیتی دارد؟ به استفاده برنامه‌ریزی‌شده از تبلیغات و سایر اقدامات با هدف تأثیرگذاری بر افکار، احساسات،

نگرش‌ها و رفتار یک گروه یا جمعیت خاص، جنگ روانی گفته می‌شود. معمولاً این اقدامات با هدف تضعیف روحیه، ایجاد تفرقه یا تغییر دیدگاه‌ها در جهت منافع ملی یک کشور یا گروه انجام می‌شود، به شکلی که مردم را نسبت به اهداف و ارزش‌های خود یا دشمن، دچار شک و تردید می‌کند. این تاکتیک می‌تواند شامل استفاده از رسانه‌ها، شایعات، تبلیغات و سایر ابزارها برای ایجاد ترس، اضطراب، بی‌اعتمادی یا بی‌انگیزگی در میان اهداف باشد. دکتر علی منتظری، رئیس جهاد دانشگاهی و عضو هیأت علمی پژوهشکده علوم بهداشتی، با بیان ابعاد جدید تهدیدات علیه امنیت ملی و اهمیت درک عمیق و هوشمندانه

جامعه نسبت به پدیده‌هایی مانند جنگ روانی و جنگ شناختی به «ایران» می‌گوید: «جنگ‌های امروزی فقط محدود به میدان‌های نبرد نظامی نیست، بلکه دشمنان با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و فضای مجازی تلاش می‌کنند به ذهن و روان مردم نفوذ کنند. انتشار شایعات، ترس‌افکنی، ایجاد ناامیدی و وارونه‌نمایی حقایق، راهکارهایی است که برای تضعیف بنیان‌های فکری و ارزشی جامعه به کار می‌رود.» دکتر منتظری تفاوت جنگ شناختی و جنگ روانی را این‌گونه شرح می‌دهد: «جنگ شناختی، مستقیماً نظام باور و چهارچوب فکری افراد را هدف قرار می‌دهد، در حالی که جنگ روانی بیشتر بر تحریک احساسات منفی و واکنش‌های

هشدار رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت نسبت به افزایش حیوان‌گزیدگی در کشور

حیوانات پارسال به ۴۰۹ هزار نفر حمله کردند

وزارت بهداشت سال گذشته حدود ۲۴ میلیون یورو برای تزریق واکسن هاری تخصیص داد

گزارش خبری

محدنه جعفری

گروه اجتماعی

نزدیک به ۱۴۰۰ عامل عفونی، باکتری، انگل و قارچ از حیوان به انسان منتقل می‌شوند. دکتر قباد مرادی، رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در نشست خبری با اشاره به این موضوع گفت: «حدود ۸۰ درصد بیماری‌های بازپدید و نوپدید که طی ۴۰ سال گذشته بیماری‌های جدیدی بودند، مثل مرس و آنفلوآنزای پرندگان، این نگرانی را ایجاد می‌کنند که اگر جهشی پیدا کنند، ممکن است سرایت و انتقال‌پذیری بیشتری نسبت به انسان داشته باشند. اما در این میان برخی کشورهای صنعتی با اقدامات، مداخلات و اجرای برنامه‌های بهداشتی توانسته‌اند این بیماری‌ها را کنترل کنند. به عنوان مثال تب‌مالت در کشورهایی که دامداری آنها بیشتر صنعتی است، بسیار کمتر دیده می‌شود. همچنین، هاری انسانی و سالک در بسیاری از کشورها روند گاهشی داشته است.»

واکسیناسیون عمومی اطفال، کزاز بین انسان و دام فقط در حوزه سلامت نیست و به هماهنگی بین بخش‌های مختلف از جمله نهادهای مرتبط با محیط‌زیست نیاز دارد. دکتر مرادی با تأکید بر این موضوع توضیح داد: «پیش از آغاز و فلج اطفال به فراوانی در کشور دیده می‌شد، اما نظام بهداشتی کشور با واکسیناسیون گسترده باعث کاهش بسیار چشمگیر این بیماری‌ها در مردم شد. به طوری

که از ۲۵ سال پیش، فلج اطفال در کشور بروز پیدا نکرده و این بیماری با واکسیناسیون کنترل‌شده، اما در زمینه بیماری‌های مشترک انسان و حیوان هنوز مشکلاتی در کنترل آنها داریم.»

ابتلای بیش از ۱۹ هزار نفر به تب مالت در کشور دکتر مرادی در پاسخ به سؤال «ایران» در رابطه با نقش واکسیناسیون در کنترل بیماری‌هایی مثل تب مالت و هاری، گفت: «دو بیماری در کشور مبتلایان بسیاری دارد به همین دلیل مهم تلقی می‌شوند؛ یکی تب مالت و دیگری گزش حیوانات. سال گذشته ۱۹ هزار و ۹۷۲ مورد تب مالت در کشور شناسایی و درمان شدند. یعنی به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر ۲۳ نفر مبتلا می‌شوند. عامل اصلی ابتلا به این بیماری مصرف لبنیات غیرپاستوریزه و تماس با دام است. اما واکسن این بیماری برای انسان نیست و باید به دام تزریق شود و متول‌ی این موضوع هم سازمان دامپزشکی است. این بیماری دوره درمان حدود دو ماه دارد و در هفته‌های اولیه بیمار توان هیچ کاری را ندارد و در هفته‌های آخر هم با ۵۰ درصد نیروی می‌تواند کار کند. به همین دلیل هر فرد بیمار هزینه زیادی بر سیستم سلامت و اقتصاد کشور وارد می‌کند. ۷۵ درصد ابتلا به تب مالت در مناطق روستایی رخ می‌دهد.»

حیوان‌گزیدگی هر سال ۲۰ درصد افزایش می‌یابد

او در پاسخ به سؤال دیگر «ایران» درباره حیوان‌گزیدگی و تعداد واکسن‌هایی که مردم دریافت کردند، توضیح داد: «سال گذشته بیش از ۴۰۹ هزار مورد حیوان‌گزیدگی به ثبت رسید که همه این افراد



واکسن دریافت کردند. به طور متوسط هر سال حیوان‌گزیدگی ۲۰ درصد افزایش پیدا می‌کند. متأسفانه سال گذشته ۲۴ مورد فوت ناشی از هاری در کشور داشته‌ایم. هزینه هر واکسن هاری ۷ یورو است و هر فرد دچار حیوان‌گزیدگی باید ۳ نوبت واکسن هاری دریافت کند. بسیاری از این موارد حیوان‌گزیدگی توسط حیوانات خانگی رخ می‌دهد، بنابراین توصیه می‌کنیم در صورت زدن گربه و سگ به مراکز مراقبت هاری مراجعه کنید. این موارد شامل گزش توسط سگ، گربه، گرگ و حتی گاو، گوسفند و... است که افراد پس از مراجعه به مراکز درمان پیشگیری از هاری، تحت مراقبت قرار می‌گیرند. معمولاً برای پیشگیری از هاری، ۳ نوبت واکسیناسیون انجام می‌شود. اگر بخواهیم به‌طور تقریبی محاسبه کنیم، برای این تعداد مراجعه، حدود ۲۴ میلیون یورو هزینه واکسن از سوی وزارت بهداشت پرداخت شده است.»

رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر با اشاره به اینکه ۸۵ درصد گزیدگی‌ها ناشی از حیوانات خانگی است، گفت: «در بسیاری از کشورهای پیشرفته، حیوانات خانگی مانند سگ و گربه فقط در صورتی مجاز به نگهداری هستند که به‌طور کامل واکسینه شده باشند. در این کشورها، با کنترل کامل بیماری‌های در حیوانات اهلی و وحشی، عملاً چرخه انتقال بیماری متوقف شده است. اما در ایران این‌طور نیست. بررسی‌ها

وقتی منابع محدود باشد، دولت باید بین خرید واکسن‌های ضروری برای کودکان و واکسن‌های مربوط به حیوان‌گزیدگی اولویت‌بندی کند. نمی‌توان پذیرفت فردی که ماهی چند میلیون تومان برای نگهداری حیوان خانگی هزینه می‌کند، واکسیناسیون مربوط به آن را رایگان دریافت کند

نشان می‌دهد، حدود ۹۵ درصد موارد حیوان‌گزیدگی توسط سگ و گربه اتفاق می‌افتد و بقیه برای حیوانات اهلی است که از طریق وحوش هار مثل شغال، گرگ و روباه منتقل شده‌اند.»

۸۰ درصد حیوان‌گزیدگی مربوط به سگ‌هاست

به گفته دکتر مرادی، از میان ۹۵ درصد آمار حیوان‌گزیدگی در کشور، حدود ۸۰ درصد مربوط به سگ‌های ولگرد و صاحب‌دار و ۱۵ درصد مربوط به گربه‌های خانگی است. حتی پنجه کشیدن گربه می‌تواند به دلیل آغشش بودن به بزاق، خطر ابتلا به بیماری را به همراه داشته باشد. باید قواعدی برای افرادی که حیوانات خانگی نگهداری می‌کنند از نظر بهداشتی در نظر گرفته شود، زیرا سالانه هزینه زیادی بابت درمان هاری از طرف نظام سلامت انجام می‌شود در حالی که بسیاری از افراد ماهانه میلیون‌ها تومان صرف نگهداری حیوانات خانگی می‌کنند.»

او با اشاره به چالش تأمین منابع دارویی و واکسن در کشور گفت: «وقتی منابع محدود باشد، دولت باید بین خرید واکسن‌های ضروری برای کودکان و واکسن‌های مربوط به حیوان‌گزیدگی اولویت‌بندی کند. نمی‌توان پذیرفت فردی که ماهی چند میلیون تومان برای نگهداری حیوان خانگی هزینه می‌کند، واکسیناسیون مربوط به آن را رایگان دریافت کند.» سازمان جهانی بهداشت هدف حذف موارد انسانی هاری تا سال ۲۰۳۰ را تعیین کرده و تعریف این هدف به گونه‌ای است که حتی اگر ویروس هاری در محیط وجود داشته باشد، دیگر موردی از مرگ



زنی که نمی‌ترسید

سیمای جنگ نوشته **مارتا گلهورن** روایت‌هایی از خط مقدم جنگ و زندگی انسان‌های جنگ‌زده است

تاریخ جنگ



روزنامه‌نگار

است، مجموعه‌ای از گزارش‌های میدانی گلهورن را در بردارد؛ کتابی که که نزدیک به ۵۰ سال از زندگی حرفه‌ای او را روایت می‌کند. این کتاب شامل روایت‌هایی از جنگ داخلی اسپانیا، جنگ جهانی دوم، ویتنام، خاورمیانه و آمریکای مرکزی است و از جنبه‌ای می‌توان آن را تاریخ زنده جنگ‌های قرن بیستم دانست. گلهورن در این کتاب، مخاطب را مستقیماً به دل میدان‌های جنگ می‌برد. او تنها به بیان استراتژی‌های نظامی یا تصمیم‌گیری‌های سیاسی نمی‌پردازد، بلکه تمرکزش بر انسان‌هاست؛ کسانی که خانه‌های‌شان را از دست داده‌اند، عزیزان خود را دفن کرده‌اند و با آینده‌ای مبهم روبه‌رو هستند. همان‌گونه که خود گفته است: «جنگ چیزی نیست جز انسان‌هایی که نابود می‌شوند و من می‌خواستم از آنها بگویم.»

او با لحنی صریح، بی‌پرده و گاه خشن، بیهودگی و وحشت جنگ را آشکار می‌کند. در برابر صدای سیاستمداران و ژنرال‌ها، صدای مادری است که کودک خود را از دست داده، دختری که به پناهگاه پناه برده یا مردی که در ویرانه‌های شهرش به دنبال نان می‌گردد. منتقدان بسیاری بر این باورند که «سیمای

مرکزی، توسط زنی که از هیچ چیز نمی‌ترسید» توصیف کرده است.

صدای گمشدگان تاریخ

کتاب «سیمای جنگ» به‌گونه‌ای تدوین شده است که خواننده را در یک سفر تاریخی و عمیق همراه خود می‌برد؛ سفری که هم جغرافیایی است و هم احساسی و انسانی. مارتا گلهورن با شروع از جنگ داخلی اسپانیا، ما را به دل یکی از خونین‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین جنگ‌های قرن بیستم می‌برد؛ جایی که تنش‌های سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک در هم آمیخته و زندگی مردم عادی در میان ویرانی‌ها و خشونت‌ها جریان دارد. سپس مسیر روایت خود را به سمت جنگ جهانی دوم در اروپا پیش می‌برد، جنگی که تبعات ویرانگر آن نه‌تنها بر جبهه‌های نبرد، بلکه بر جامعه‌ها و زندگی روزمره مردم نیز سایه افکنده است. اما کتاب محدود به زمان و مکان خاصی نیست؛ گلهورن از اروپا فراتر می‌رود و جنگ ویتنام و درگیری‌های آمریکای لاتین و خاورمیانه را نیز پوشش می‌دهد؛ مناطقی که هر کدام داستان‌های ویژه خود را دارند، اما وجه مشترک‌شان درد، رنج و مقاومت انسان‌هایی است که گرفتار جنگ شده‌اند. به این ترتیب، «سیمای جنگ» نمایی فراگیر از تجربه بشری در دوران جنگ‌های مدرن ارائه می‌دهد. هر فصل از کتاب با سبک نگارشی خاصی نوشته شده است که گویی دوربینی زنده در میان جمعیت و صحنه‌های جنگ حرکت می‌کند. گلهورن نه به صورت توصیفی کلیشه‌ای و دور، بلکه با چشم‌های ناظر، گوش‌های شنونده و قلبی همراه، جزئیات دقیق لحظات را ثبت می‌کند. او صداها، بوها، حرکات و احساسات را با دقتی وصف‌ناپذیر به تصویر می‌کشد، به گونه‌ای که خواننده حس می‌کند خودش در همان مکان حضور دارد. این روش روایتگری باعث می‌شود کتاب از یک گزارش صرف فراتر رود و به اثری بدل شود که به قلب و ذهن مخاطب نفوذ می‌کند. به جای آن‌که روایت‌ها به‌صورت خبری و بی‌طرفانه ارائه شوند، گلهورن همراه با خواننده درد، ترس، امید و یأس انسان‌های گرفتار جنگ را تجربه می‌کند. این امر کتاب را به یک اثر عاطفی و انسانی بدل کرده است. به گفته او، سبک گلهورن باعث می‌شود خواننده واقعاً «جنگ را ببیند» نه فقط دربار‌ه‌اش بخواند.

وجدان بیدار قرن بیستم

لورن الکین، نویسنده و منتقد فرانسوی، در مقدمه جدیدی که برای تجدید چاپ کتاب نوشته، می‌گوید: «صداقت بی‌پرده و شدت بصری که مخاطب را در مرکز رخدادها قرار می‌دهد، ویژگی اصلی گلهورن است. او نه‌تنها خبرنگار، بلکه وجدان بیدار قرن بیستم بود.» کتابخانه کنگره آمریکا در معرفی این اثر آورده است که گلهورن توانسته میان گزارش نویسی و ادبیات، پلی کم‌نظیر ایجاد کند؛ او نه‌تنها واقعیت‌ها را مستند می‌کرد، بلکه آنها را با عمقی احساسی و انسانی به تصویر می‌کشید که تا پیش از آن در روزنامه‌نگاری جنگ رایج نبود. مجله «نئی فیر» نیز در تحلیلی، این کتاب را «شاهکار گزارش‌نویسی از خط مقدم، از اسپانیا تا آمریکای

تاریخ‌های رسمی گم می‌شوند، بلند می‌کند. کتاب نه‌تنها جنگ را به عنوان یک واقعه سیاسی-نظامی نشان می‌دهد، بلکه آن را به مثابه تراژدی انسانی، تجربه‌ای احساسی و داستانی پیچیده به تصویر می‌کشد که خواننده را به تأمل و همدلی وامی‌دارد. مارتا گلهورن یکی از پیشگامان زن در حوزه روزنامه‌نگاری جنگ است که مسیر جدیدی برای زنان در این عرصه گشود. او ثابت کرد که خبرنگاری جنگ فقط محدود به مردان نیست و زنان نیز می‌توانند با شجاعت و توانمندی تمام، به خط مقدم بروند و از زاویه‌ای متفاوت واقعیت‌ها را بازتاب دهند. در زمانی که بسیاری از خبرنگاران مرد مشغول تحلیل‌های نظامی و سیاسی بودند، گلهورن بر انسان‌های عادی، قربانیان بی‌نام و نشان و رنج آنان تمرکز کرد و همین رویکرد باعث شد روایت‌های جنگ از جنبه‌های تازه‌ای دیده شود.

روایت‌های او بر همدلی و درک عمیق نسبت به درد و رنج مردم متمرکز بود؛ نکته‌ای که بعدها بسیاری از روزنامه‌نگاران جنگ، به‌خصوص زنان، آن را الگوی کاری خود قرار دادند. گلهورن در دوره‌ای فعالیت کرد که رسانه‌ها اغلب رویکردی کلیشه‌ای و گاه تبلیغاتی نسبت به جنگ داشتند؛ اما او با صراحت و بی‌پروایی، تصویر جنگ را با همه تلخی‌ها و دردهایش به مخاطب نشان داد. از این رو، بسیاری از خبرنگاران زن معاصر، از جمله ماری کالوین، کریستین آمون‌مور، و آنا پولیتکوفسکایا، راه او را ادامه دادند و گلهورن را الهام‌بخش خود

همراه همینگوی

مارتا گلهورن، سال ۱۹۰۸ در سنت‌لوئیس ایالت میزوری به دنیا آمد. مادرش، ادنا فیشر گلهورن، از فعالان جنبش حق رأی زنان بود و این روحیه عدالت‌خواهی در سراسر زندگی مارتا بازتاب یافت. او تحصیلات خود را کالج براین‌ماور آغاز کرد اما آن را نیمه‌کاره رها کرد تا روزنامه‌نگاری را به‌صورت حرفه‌ای دنبال کند. گلهورن از همان آغاز، مشتاق ثبت واقعیت‌هایی بود که در حاشیه قرار می‌گرفتند. در دهه ۱۹۲۰، در فرانسه به‌عنوان خبرنگار فعالیت می‌کرد و همزمان به جنبش‌های صلح طلبانه پیوست. کتاب «چه جنون پرهیاهویی» (۱۹۳۴) حاصل آن تجربه‌ها بود. پس از بازگشت به آمریکا، با کمک بانوی اول وقت، النور روزولت، به‌عنوان بازرس میدانی برای اداره فدرال امداد اضطراری (FERA) کار کرد و همراه با دوروتیا لنگ، عکاس معروف، گزارش‌هایی از تأثیر رکود بزرگ بر مردم تهیه کرد. این گزارش‌ها بعدها پایه مجموعه داستان‌های کوتاه او در کتاب «دردی که دیدهم» شدند.

مارتا گلهورن سومین همسر ارنست همینگوی در سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۵ بود. او در طول یک سفر خانوادگی کریسمس در سال ۱۹۳۶ در کی‌وست فلوریدا با همینگوی



سیمای جنگ
خاطرات مارتا گلهورن رمان نویس، خبرنگار جنگی و همسرارنست همینگوی

- نویسنده: مارتا گلهورن
- مترجم: احسان لامع
- ناشر: نیلوفر
- تعدادصفحات: ۳۱۲ صفحه
- قیمت: ۳۴۵ هزار تومان

او صحنه‌های دلخراشی از پناهگاه‌ها و خیابان‌های بارسلونا را توصیف می‌کند، جایی که مردم عادی در میان گلوله‌باران و بمباران، به دنبال نجات خود و خانواده‌شان هستند. گلهورن به جای تمرکز بر عملیات نظامی، بیشتر به گفت‌وگو با زنان، کودکان و سالمندان می‌پردازد که زندگی‌شان به‌کلی دگرگون شده است. در یک بخش تأثیرگذار، ماداران را تصویر می‌کند که اشک می‌ریزند و ناله می‌کنند، در حالی که پیکرهای بی‌جان فرزندان‌شان را در آغوش دارند. این گزارش، نمونه‌ای کامل از رویکرد ویژه گلهورن به روزنامه‌نگاری جنگ است؛ روایتی که در آن سیاست و قدرت کنار گذاشته شده و انسان، در همه آسیب‌پذیری و شکنندگی‌اش، مرکز توجه است. این روایت باعث می‌شود خواننده نه‌تنها با جنگ آشنا شود، بلکه احساس همدردی عمیق با کسانی که در جنگ گرفتار شده‌اند، پیدا کند.

در جهانی که هنوز از آتش جنگ‌ها در امان نیست، کتاب‌هایی همچون «سیمای جنگ» بیش از هر زمان دیگری ضروری‌اند. این اثر نه‌تنها ثبت وقایع است، بلکه دفاعی است از انسانیت، از صداقت در روایت و از حق دیدن حقیقت برای نسل‌های آینده. مارتا گلهورن ثابت کرد که زنان نه‌تنها توان ایستادن در خط مقدم را دارند، بلکه می‌توانند با صلابت و شجاعت، شاهد کشتار و ویرانی بود. در این گزارش، او از زاویه‌ای انسانی به ماجرا نگاه می‌کند؛ نه فقط روایت میدان جنگ، بلکه درد و اندوه خانواده‌هایی که عزیزان‌شان را از دست داده‌اند.



حضور در روز فردو متفقین در نورماندی (۶ ژوئن ۱۹۴۴) بود؛ او تنها زن خبرنگاری بود که در آن عملیات حضور داشت. زندگی حرفه‌ای گلهورن از جنگ اسپانیا تا ویتنام و جنگ‌های داخلی در آمریکای مرکزی را دربرمی‌گیرد. او همواره برآن بود که حقیقت را همان‌گونه که هست، بازتاب دهد؛ حتی اگر این حقیقت تلخ و دردناک باشد. گلهورن که در اواخر عمر تقریباً نابینا شده بود، ۱۵ فوریه ۱۹۹۸ در لندن زندگی‌اش پایان یافت.

آشنا شد و این دو تصمیم گرفتند با هم به اسپانیا سفر کنند. آنها کریسمس سال ۱۹۳۷ را در بارسلونا جشن گرفتند. شهرت جهانی گلهورن با حضور در جنگ داخلی اسپانیا آغاز شد؛ جایی که در کنار ارنست همینگوی حضور یافت. در جریان جنگ جهانی دوم، با وجود محدودیت‌های جنسیتی، خود را به خط مقدم رساند و از کشورهای مختلفی همچون فنلاند، هنگ کنگ، برمه، فرانسه و آلمان گزارش تهیه کرد. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای او،

ضرورت روزنامه‌نگاری صادقانه

بخشی از مقدمه سال ۱۹۵۹ مارتا گلهورن در چاپ اول سیمای جنگ

تصور است؛ اما شرایط، تاریخ و مکانی به حساب می‌آید که باید در آن زندگی می‌کردیم. من به نوع خاصی از جنگ نفخ می‌بردم؛ از نظر فیزیکی خوش شانس بودم و به من پول می‌دادند تا وقتی با مردم باشکوه بگذرانم... روزنامه‌نگاری در بهترین و مؤثرترین حالت خود آموزش نمی‌داد، چه مردم نه از خودشان یاد می‌گیرند و نه از دیگران. اگر رنج جنگ جهانی دوم به آنها آموزش نمی‌داد، چه اتفاقی می‌افتاد؟... روزنامه‌نگاری وسیله است؛ و من اکنون فکر می‌کنم که گزارش درست واقعیت‌ها به‌خودی خود ارزشمند است. روزنامه‌نگاری جدی، دقیق و صادقانه ضرورت است، نه به خاطر که چراغ راهنما است بلکه به این دلیل که نوعی رفتار شرافتمندانه است و خبرنگار و خواننده را درگیر می‌کند.

روزنامه‌نگاری را مثل گذرنامه تصور کردم، به کاغذهای مناسب و یک شغل نیاز داشتی تا یک صندلی جلویی از نمایش تاریخ در حال ساخت گیرت بیاید. در جنگ جهانی دوم تنها کاری که انجام دادم ستایش از مردم خوب، شجاع و سخاوتمندی بود که دیدم و می‌دانستم که این نمایش کاملاً بی‌فایده است. وقتی موقعیتی پیش آمد، شیطانی را که مأموریت‌شان انکار کرامت انسان بود، مورد نگوهرش قرار دادم؛ آن هم بی‌فایده. من از اینکه به جایی که می‌خواستم می‌رفتم و گزارش آن را بموقع به نیویورک می‌فرستادم به خود می‌بالیدم؛ اما کار خبرنگار جنگی زیاد مهم است. جنگ یک بیماری بدخیم، یک حماقت، یک زندان است و دردی که ایجاد می‌کند فراتر از بیان یا

قطع می‌آنها را گزارش می‌کردند. اگر کسی به آنها گوش می‌داد، کاری در برابر هشدارهای آنها می‌کردند. سرنوشتی که آنها از مدت‌ها پیش‌بینی کرده بودند، بموقع و طبق برنامه پیش رفت. در نهایت ما تبدیل به حاملین برانکاردهای خاص شدیم و سعی کردیم افراد را از لاشه هواپیما بیرون بکشیم. اگر می‌شد یک زندگی را از حضور اولین گشتاپو در پراگ، یا زندگی دیگری را از پشت سیم‌ها خاردار روی شن‌های آرگلس نجات داد، این یک آرامش بود، اما روزنامه نگاری نبود. پاره کردن، نقشه کشیدن، قلدری و دلراهی گاهی انسانی را در زمانی حفظ می‌کردند. با تمام خوبی‌هایی که مقالات ما داشتند، ممکن بود با مرگ نامرئی نوشته، روی برگ‌ها چاپ و در برابر باد شل شده باشند، بعد از جنگ در فلانند،



روزنامه‌نگاری جدی، دقیق و صادقانه ضرورت است، نه به این خاطر که چراغ راهنما است بلکه به این دلیل که نوعی رفتار شرافتمندانه است و خبرنگار و خواننده را درگیر می‌کند

بشکند. کم‌کم به این نتیجه رسیدم که خوانندگان ما دروغ را راحت‌تر از حقیقت می‌بلعند، گویی مزه دروغ، خوف‌آور و اشتهاآور است؛ یک عادت است. (در کار من هم دروغ‌گویی وجود داشت و رهبران [در واشینگتن] همیشه از حقایق به عنوان امری نسبی و منعطف بهره‌برده‌اند. عرضه دروغ نامحدود بود) مردم خوب، کسانی که در هر کجا با شر مخالفت می‌کردند، هیچ وقت از یک اقلیت شجاع فراتر نمی‌رفتند. میلیون‌ها توده تحت سلطه می‌توانند با هر دروغی بیدار یا آرام شوند. نور هدایتگر روزنامه‌نگاری قوی‌تر از کرم شب‌تاب نبود. من عضو فدراسیون کاساندرای بودم، همکارانم خبرنگاران خارجی بودند که در مصیبت‌های گوناگون بارها با آنها آشنا شدم. آنها سال‌ها بود که ظهور فاشیسم، وحشت و تهدید

در دوران جوانی به تکامل و پیشرفت انسان باور داشتم و روزنامه‌نگاری را چراغ هدایت می‌پنداشتم. اگر به مردم واقعیت‌ها گفته شود، اگر بی‌آبرویی‌ها و بی‌عدالتی‌ها به وضوح نشان داده شود، آنها فوراً خواستار اقدام نجات‌بخش، مجازات افراد خطاکار و حمایت از افراد بی‌گناه خواهند شد. نمی‌دانستم مردم چگونه باید این اصلاحات را انجام دهند. این وظیفه مردم بود. وظیفه روزنامه‌نگار هم این بود که خبر بیاورد و چشم بیدار وجدان آنها باشد. فکر می‌کنم باید افکار عمومی را نیرویی محکم بپندارم، چیزی شبیه گردباد، که همیشه آماده است تا در کنار فرشتگان طوفان به پا کند...

با رکود بزرگ [آمریکا] ۱۹۲۹] و شکست دو جنگ و یک جنگ بدون تسلیم ۹ سال طول کشید تا ایمان من به قدرت مهربان مطبوعات



روایتی از آخرین شب جنگ و شهادت ۱۷ نفر در آرام ترین نقطه شمال ایران

آستانه در آتش

یوسف حیدری - گروه گزارش / یادآوری آخرین روز جنگ برای پاسر، خانه‌ای بود که دیگر نیست؛ خانه‌ای ویران و پدرو و مادری که زیرآوار به خواب ابدی رفتند. مجتبی، پدري که تازه طعم شیرین آغوش فرزند ۵ ماهه‌اش را چشیده بود، در آستانه اشرفیه به شهادت رسید. شهری که می‌گفتند امن‌ترین نقطه ایران است، به ناگهان هدف قبیع‌ترین جنایت صهیونیست‌ها قرار گرفت؛ شبی که آسمانش مثل روز روشن شد و خاکش رنگ خون گرفت. تا قبل از سوم تیرماه، آستانه اشرفیه در ذهن خیلی‌ها

نقطه‌ای امن بود؛ مأمنی برای ساکنان تهران، کرج و دیگر شهرهایی که روزانه در معرض موشک‌ها و پهپادهای دشمن قرار داشتند. اما ساعت ۱:۱۴ بامداد، سکوت این شهر با صدای سه انفجار مهیب شکست. شدت انفجارها به حدی بود که روستاهای اطراف نیز به لرزه درآمد. با هدف قرار گرفتن چند خانه مسکونی در این شهر ۱۷ غیرنظامی به شهادت رسیدند. از کودک ۶ ساله تا پیرزن ۷۵ ساله. ۴۲۳ خانه هم در این حمله آسیب دید و ۱۰ خانه نیز به طور کامل ویران شد.



آخرین شب
جنگ، پراز
بغض و خون

و خاکستر

بود. اما آستانه

اشرفیه حالا

نه تنها شهری

در شمال ایران،

بلکه نامی

است در قلب

همه ایرانی‌ها.

نامی که حالا

با شهادت،

مقاومت گره

خورده است

پایان ۱۵ سال انتظار

حسرت ۱۵ ساله برای بچه دار شدن سرانجام به پایان رسید و مجتبی و همسرش درحالی که آرمین را در آغوش گرفته بودند به خانه آمدند. نذر نیاز کرده بودند و می‌گفتند این نوزاد را از امام حسین (ع) در اربعین خواسته بودند و خدا هم این فرشته را به آنها داد. اما خوشبختی‌شان فقط ۵ ماه دوام داشت. در حمله دشمن صهیونیستی به آستانه اشرفیه مجتبی محمدپور وقتی به خانه بازگشت مقابل در بر اثر ترکش موشک دشمن به شهادت رسید. مهدی محمدپور دایی مجتبی جزئیات آن شب را به خوبی به یاد دارد، می‌گوید: «در روستای پنجاه که ۱۵ کیلومتر به آستانه اشرفیه فاصله دارد زندگی می‌کنیم. پدر و مادر مجتبی هم اینجا هستند و آن شب مجتبی برای سرکشی به آنها آمده بود. ۱۰ دقیقه قبل از حمله دشمن گفت دلشوره دارم و باید زودتر برگردم.

۵ ماه قبل خدا آرمین را به آنها داده بود. با ماشین یکی از بستگان به شهر برگشت و لحظه‌ای که وارد کوچه شد موشک‌ها به خانه آقای صدیقی صابر اصابت کرد. محمد در همان لحظه سعی کرد با دنده عقب از کوچه خارج شود اما موج انفجار و ترکش‌های موشک باعث شد تا در انتهای کوچه گرفتار و یکی از ترکش‌ها به گردنش اصابت کرد. همسرش از پشت پنجره شاهد این صحنه تلخ بود. پنجره‌های خانه به همراه بخشی از دیوار خانه فرو ریخته بود. همه سراسیمه خوششان را به محل انفجار رساندند. مجتبی لحظه آخر درخواست کرد برای آخرین بار آرمین را در آغوش بگیرد. خونریزی شدیدی داشت و قبل از رسیدن آمبولانس به شهادت رسید. مجتبی و همسرش ۱۵ سال صاحب فرزند نمی‌شدند و سال گذشته در اربعین نذر کردند و خدا آرمین را به آنها داد. حالا آرمین ماند و درد تباهی.»

سکوت عجیبی در شهر حاکم بود. بوی نم شالیزار فضای شهر را پر کرده بود و برخی از اهالی میزبان مسافرائی بودند که به خاطر شرایط جنگ خانه و کاشانه‌شان را رها کرده و به خانه پدری و یا اقوام‌شان پناه آورده بودند. خیلی‌ها با گوشی موبایل اخبار مربوط به حمله دشمن صهیونیستی و پاسخ‌گوینده ایران را دنبال می‌کردند. کسی نمی‌دانست چند ساعت بعد سکوت این شهر با موشک‌های دشمن شکسته خواهد شد. جنگ به هفته دوم رسیده بود و با هر حمله دشمن مردم منتظر پاسخ‌گوینده ایران بودند. دوم تیرماه اهالی آستانه اشرفیه مثل هر روز به محل کار رفتند و کسی خبر نداشت سحرگاه روز بعد رژیم صهیونیستی با حمله به این شهر دست به جنایت و حشمت‌ناکی خواهد زد. تا قبل از آن اهالی می‌گفتند اینجا نه صدای پافند شنیدیم نه صدای پهپاد و انفجار. اینجا امن‌ترین نقطه ایران بود. اما ساعت یک و ۱۴ دقیقه بامداد صدای سه انفجار در کوچه تعاون در خیابان فردوسی این شهر همه مردم را به بیرون از خانه‌ها گشاند. دود غلیظی شهر را فرا گرفته بود.

هدف خانه پدری دانشمند هسته‌ای محمد رضا صدیقی صابر بود. کسی که هفته گذشته خانه‌اش در تهران هدف قرار گرفت و نوجوان ۱۷ ساله‌اش به شهادت رسید و این بار دشمن خانه پدری‌اش را هدف قرار داد. شدت انفجار ناشی از اصابت موشک‌ها تنها دو کودال به همراه قطعاتی از پیکره‌های اهالی خانه صدیقی صابر باقی مانده بود. با اصابت موشک‌ها برق شهر قطع شد. همه جا تاریک بود و کسی خبر نداشت علاوه بر خانواده دانشمند هسته‌ای یک زوج سالمند و یک مرد جوان در نزدیکی محل اصابت موشک‌ها به شهادت رسیده‌اند.



همکاری با ما نکرد تا بتوانیم اموال بازارش خانه پدری را از زیرآوار خارج کنیم. متأسفانه همه این اموال سرقت شد و حتی نتوانستیم طلا و پس اندازهایی که به پدرم سپرده بودیم را پیدا کنیم.»

آستانه، نماد مظلومیت و مقاومت

آخرین شب جنگ، پراز بغض و خون و خاکستر بود. اما آستانه اشرفیه حالا نه تنها شهری در شمال ایران، بلکه نامی است در قلب همه ایرانی‌ها. نامی که حالا با شهادت، مظلومیت و مقاومت گره خورده است. برای پاسر، دیگر خانه‌ای نمانده. برای آرمین، پدري نیست و برای همه این پرسش که چطور دشمنی که ادعا می‌کرد فقط به اهداف نظامی حمله می‌کند، چطور خانه‌های مسکونی را هدف قرار داد و غیر نظامیان را به خاک و خون کشید؟

روز دشمن صهیونیست منطقه ونک و خیابان ولیعصر که نزدیک محل کار ما بود را با موشک هدف قرار داد. شب آخر جنگ با تماس برادرم متوجه شدم که آستانه اشرفیه هدف قرار گرفته است. دلشوره عجیبی داشتم و حدس می‌زدم که خانه دانشمند هسته‌ای هدف قرار گرفته است. ساعت ۵ صبح وقتی به آنجا رسیدیم صحنه‌ای مقابل چشممان قرار گرفت که نمی‌توانستم باور کنم. خانه پدری ام ویران شده بود و همسایه‌ها می‌گفتند پدر و مادر در خواب زیرآوار به شهادت رسیده بودند.

خوشحالم که درد نکشیدند. از خانه زیبای پدرم کوهی از آوار باقی مانده بود. از خانه آقای صابر فقط دو کودال آب باقی مانده بود و هیچ پیکر سالمی از آنجا بیرون کشیده نشد. اما پیکر پدر و مادرم سالم بودند و آنها را در زادگاه‌شان به خاک سپردیم. متأسفانه شهرداری آستانه اشرفیه هیچ

ما زندگی می‌کنند را سال هاست می‌شناسیم. بسیار با شخصیت بودند و همه اهالی آنها را می‌شناختند. وقتی نوه آنها در تهران به شهادت رسید با پدر و مادر به خانه آنها برای عرض تسلیت رفتیم. تا به آن روز نمی‌دانستیم که محمد رضا فرزند این خانواده از دانشمندان هسته‌ای است. دکتر صابر در این مدت نیز به آنجا نیامده بود و ما او را ندیدیم.» وی ادامه داد: «آن قدر مطمئن بودیم که آستانه اشرفیه امن است که به پیشنهاد پدرم پس اندازی که داشتیم را به او سپردیم چون در این مدت خانه‌های ما خالی بود. آنها بهترین پدر و مادر دنیا بودند. پدرم چند اتاق درست کرده بود تا هر وقت به آنجا رفتیم راحت باشیم. از آنجایی که باید سرکار می‌رفتم دو روز قبل از حمله دشمن به تهران برگشتم و در محل کار حاضر بودم. همان



کاهش فاصله طبقاتی

با اخذ مالیات از خودروهای لوکس

مالیات بر خودروهای لوکس یکی از مهمترین سیاست‌هایی است که در سال‌های اخیر از سوی دولت و قانون‌گذار با هدف تقویت عدالت اجتماعی، افزایش درآمد‌های پایدار دولت و مقابله با انباشت ثروت غیرمولد به اجرا درآمد.

فلسفه اصلی این مالیات، جلب مشارکت بیشتر اقشار توان مالی بالاتر در تأمین مخارج عمومی و کاهش فاصله طبقاتی است؛ اقدامی که با الگوبرداری از تجربه کشورهای توسعه‌یافته صورت گرفت تا هم به مهار سوداگری در بازار خودروهای لوکس کمک کند و هم منابع درآمدی جدیدی برای دولت فراهم آورد.

براساس مصوبات بودجه‌ای سالانه و دستورالعمل اجرایی سازمان امور مالیاتی کشور، هر شخص حقیقی یا حقوقی که مالک یک یا چند خودروی سواری باشد و مجموع ارزش آنها در ابتدای هر سال بر مبنای قیمت روز از سقفی مشخص (برای سال ۱۴۰۴ این سقف پنج میلیارد تومان تعیین شد) عبور کند، مشمول پرداخت مالیات سالانه خواهد بود. به‌طوری که براساس بند ت تبصره یک قانون بودجه سال جاری، انواع خودروی سواری و وانت دو اتاق (کابین) دارای شماره انتظامی شخصی که قیمت روز

آنها بیش از ۵۰ میلیارد ریال (پنج میلیارد تومان) است، نسبت به مازاد بر این مبلغ مشمول مالیات سالانه به نرخ یک درصد (۱٪) خواهند شد.

این رقم در ابتدای تصویب با توجه به شرایط تورمی و تحولات بازار خودرو تعیین شد تا مقررات تنها شامل خودروهای واقعی لوکس و گران‌قیمت گردد و خودروهای پرمصرف و پرتیراژ از پرداخت این مالیات معاف باشند. سازمان امور مالیاتی برای اجرای دقیق این سیاست، سامانه‌های اطلاعاتی متعددی را به هم متصل کرد؛ از جمله بهره‌برداری از بانک اطلاعاتی پلیس راهور، سامانه‌های ثبت اسناد و بانک‌های اطلاعاتی معاملات خودرو.

اجرای این قانون از همان ابتدا با زتاب‌های گسترده‌ای در سطح جامعه و رسانه‌ها داشت. بسیاری از فعالان اقتصادی و کارشناسان مالیاتی این اقدام را گامی مؤثر در جهت تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی دانستند؛ زیرا مالکیت خودروهای چندمیلیاردی در بسیاری از اوقات نماد نوعی رفاه غیرمولد و حتی خرید و فروش‌های سوداگرانه در بازار خودرو بوده است.

افزون بر آن، تجربه اجرایی این سیاست

نشان داد که برخی مالکان سعی داشتند با راهکارهایی چون انتقال صوری خودروها، سند زدن به نام اعضای کم‌درآمد خانواده یا ثبت نکردن برخی اطلاعات، از شمول مالیات خارج شوند. اما با اتصال اطلاعاتی میان سازمان امور مالیاتی، پلیس راهور و ثبت اسناد، این تخلفات تا حد زیادی کنترل شد و حلقه محاصره بر متخلفان تنگ‌تر گردید.

نکته قابل توجه اینکه اخذ مالیات سالیانه از دارندگان خودروهای گران، تنها یک سیاست درآمدزایی نیست؛ بلکه ابزار مهمی برای پیشبرد اهداف عدالت اجتماعی و کاهش نمادین فاصله طبقاتی میان طبقات جامعه است. بسیاری از کارشناسان اقتصادی بر این باورند که

اعمال این نوع مالیات‌ها می‌تواند نقش تنظیم‌گری و هشداردهنده نیز داشته باشد؛ به‌نحوی که خودنمایی با دارایی‌های لوکس و انگیزه سوداگری کاهش یابد و سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های تولیدی و مولد سوق پیدا کند. البته این سیاست خالی از چالش و نقد نبوده است. برخی منتقدان معتقدند تعیین کف ارزش خودرو برای مشمولیت مالیاتی بدون در نظر گرفتن رشد تورم سالانه می‌تواند موجب کاهش اثرگذاری این

سیاست شود و با تغییر مداوم قیمت‌ها در بازار، امکان فرار مالیاتی دوباره فراهم گردد. همچنین مشکلات فنی و اجرایی مانند اختلال مقطعی در سامانه‌های ثبت اطلاعات، ابهامات برای برخی گروه‌های مشمول یا حتی حساسیت‌ها درباره نحوه تعیین قیمت کارشناسی موارد، از جمله نقطه‌ضعف‌های اجرایی این طرح هستند. در این میان مسؤولان سازمان امور مالیاتی به دفعات اعلام کرده‌اند که این سیاست قابل اصلاح و به‌روزرسانی است

و با دریافت بازخورد از مردم و کارشناسان، تلاش خواهند کرد هر سال هم سازوکار اجرایی و هم نحوه اطلاع‌رسانی و آموزش را ارتقا دهند. این اصلاحات مطالبه بسیاری از فعالان بازار خودرو و همچنین اقتصاددانان بوده است تا مالیات سالیانه خودروهای لوکس، به ابزاری مؤثر برای تحقق عدالت اجتماعی تبدیل شود و با بهبود سیستم‌های هوشمند شناسایی و وصول، هم درآمدی قانونی و پایدار برای دولت تأمین کند و



هم میزان نارضایتی و تخلف را در جامعه به حداقل برساند. با وجود همه چالش‌ها و انتقادات، شواهد نشان می‌دهد که اخذ مالیات از خودروهای لوکس در سال‌های اخیر توانسته گام مهمی در راه مقابله با فرار مالیاتی و ایجاد شفافیت اقتصادی بردارد و اگر این مسیر با جدیت و هوشمندی ادامه پیدا کند، می‌تواند نتایج مثبت قابل توجهی در اقتصاد کلان و توزیع ثروت بجای بگذارد.

جنبه، هم زمینه‌های اقتصادی مناسب را فراهم کنیم و هم اهرم‌های قانونی را تقویت نماییم. پولادی افزود: باید راه‌ها را برای حرکت در مسیر درست باز کنیم و مسیرهای اشتباه را ببندیم. به‌طور کلی، هدف این است که تمامی توان مالی موجود در کشور به سمت تولید هدایت شود. عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس داد: استفاده از حسابرسی‌های سیستمی و هدایت صحیح نقدینگی به سمت تولید می‌تواند به حل مشکلات اقتصادی کمک کند و راه را برای تحقق شعار سال در راستای تقویت تولید و سرمایه‌گذاری باز کند.

سازوکارهایی ایجاد کند که سرمایه‌ها به سمت تولید هدایت شوند. ما باید موانع را برای تولید برداریم و در عین حال، با ایجاد شرایط قانونی مناسب، نقدینگی را به سمت مسیرهای مفید سوق دهیم. عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: این کار در دنیای امروز پیچیده است، زیرا افراد انگیزه زیادی برای انجام فعالیت‌هایی با سودآوری بالا دارند. بنابراین، باید شرایطی فراهم کنیم که این افراد به سمت فعالیت‌های مولد هدایت شوند و سودآوری آنها در جهت بهبود اقتصاد کشور قرار گیرد. باید از هر دو



به‌عنوان یک نقش مولد باید بتواند ایفای نقش کند. نماینده لنجان در مجلس افزود: دولت باید

هدایت نقدینگی
به سمت تولید با
حسابرسی سیستمی

که با سازوکارهای عملی و اجرایی، نقدینگی موجود در جامعه را به سمت تولید هدایت کنیم. تولید

عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی به بررسی تأثیر حسابرسی سیستمی مالیاتی و نحوه هدایت نقدینگی به سمت تولید و رونق اقتصاد و در نهایت تحقق شعار سال پرداخت. اکبر پولادی نماینده لنجان در مجلس شورای اسلامی، آنلایین، درباره حسابرسی‌های سیستمی مالیاتی و تأثیر آن در هدایت نقدینگی به سمت تولید و تحقق شعار سال گفت: حسابرسی‌های سیستمی مالیاتی می‌تواند تولیدکنندگان را ترغیب کند که سرمایه خود را به حوزه تولید هدایت کنند. این که مالیات به‌صورت سیستمی باشد، به ما این امکان را می‌دهد



«جدایی» حالا دیگه ریک «فیلم مرجع» است

«ایران» به بهانه چهاردهمین سال اکران فیلم اصغر فرهادی و نمایش آن در جشنواره «ریترواتو»ی بولونیا، جوانب مختلف این فیلم را بررسی می کند

می گویند فیلم‌های تأثیرگذار، فیلم‌هایی هستند که با پایان اکران، پرونده‌شان بسته نمی‌شود. آنها به مرور زمان معنا می‌یابند، تفسیر و بازبینی و گاهی حتی دوباره و چندباره کشف می‌شوند. جدایی نادر از سیمین» ساخته اصغر فرهادی، یکی از این فیلم‌هاست. اثری که حالا، چهارده سال پس از اکران نخست‌اش، همچنان بخشی زنده از جریان فرهنگی سینمای ایران و جهان به شمار می‌رود. بهانه نوشتن دیگربراره درباره این فیلم، حضور چشمگیر بیش از پنج هزار تماشاگر ایتالیایی در نمایش ویژه آن بود؛ نمایشی که با حضور اصغر فرهادی و سارینا فرهادی، بازیگر فیلم، برگزار شد. این استقبال بی‌کم‌وکاست، تنها یک رویداد فرهنگی نبود؛ نشانه‌ای دیگر از زیست طولانی و ماندگار فیلمی است که به درستی، «روایت اخلاقی در بزنگاه تصمیم» لقب گرفته است. از اولین

گزارش

ترکس عاشوری

گروه فرهنگی

نمایش فیلم در جشنواره برلین در سال ۲۰۱۱ و دریافت خرس طلایی بهترین فیلم گرفته تا اسکار بهترین فیلم خارجی‌زبان، از جایزه بهترین فیلم خارجی‌زبان گلدن گلوب و جشنواره فیلم سزار، تا جایگاهش در لیست‌های معتبر سینمایی همچون هالیوود ریپورتر و حالا فهرست صد فیلم برتر قرن بیست‌ویکم به انتخاب نیویورک تایمز، مسیر افتخار این فیلم ادامه‌دار بوده است. اما آنچه اهمیت دارد، نه فقط جوایز، بلکه دلیل این ماندگاری است. در روزگاری که عمر بسیاری از فیلم‌ها، به اندازه زمان اکران‌شان محدود شده، «جدایی...» همچنان دیده و بازخوانی می‌شود و در برنامه‌های سینمایی دانشگاهی، در جلسات نقد بین المللی، در فهرست بهترین‌ها، جایگاهی تثبیت شده دارد.

فیلمی که از «موفقیت» عبور کرده و به مرحله «مرجع» بودن رسیده است. داستان فیلم «جدایی نادر از سیمین» هنوز تمام نشده، گفت‌وگو درباره‌اش ادامه دارد و همین، نشان بارز یک اثر ماندگار است. در پرونده پیش رو به راه ماندگاری این فیلم تحصیل شده اصغر فرهادی پرداخته‌ایم. نمایش فیلم در جشنواره برلین در سال ۲۰۱۱ و دریافت خرس طلایی بهترین فیلم گرفته تا اسکار بهترین فیلم خارجی‌زبان، از جایزه بهترین فیلم خارجی‌زبان گلدن گلوب و جشنواره فیلم سزار، تا جایگاهش در لیست‌های معتبر سینمایی همچون هالیوود ریپورتر و حالا فهرست صد فیلم برتر قرن بیست‌ویکم به انتخاب نیویورک تایمز، مسیر افتخار این فیلم ادامه‌دار بوده است. اما آنچه اهمیت دارد، نه فقط جوایز، بلکه دلیل این ماندگاری است. در روزگاری که عمر بسیاری از فیلم‌ها، به اندازه زمان اکران‌شان محدود شده، «جدایی...» همچنان دیده و بازخوانی می‌شود و در برنامه‌های سینمایی دانشگاهی، در جلسات نقد بین المللی، در فهرست بهترین‌ها، جایگاهی تثبیت شده دارد. فیلمی که از «موفقیت» عبور کرده و به مرحله «مرجع» بودن رسیده است. داستان فیلم «جدایی نادر از سیمین» هنوز تمام نشده، گفت‌وگو درباره‌اش ادامه دارد و همین، نشان بارز یک اثر ماندگار است. در پرونده پیش رو به راه ماندگاری این فیلم تحصیل شده اصغر فرهادی پرداخته‌ایم.

فیلمی که از «موفقیت» عبور کرده و به مرحله «مرجع» بودن رسیده است. داستان فیلم «جدایی نادر از سیمین» هنوز تمام نشده، گفت‌وگو درباره‌اش ادامه دارد و همین، نشان بارز یک اثر ماندگار است. در پرونده پیش رو به راه ماندگاری این فیلم تحصیل شده اصغر فرهادی پرداخته‌ایم.

فیلمی که از «موفقیت» عبور کرده و به مرحله «مرجع» بودن رسیده است. داستان فیلم «جدایی نادر از سیمین» هنوز تمام نشده، گفت‌وگو درباره‌اش ادامه دارد و همین، نشان بارز یک اثر ماندگار است. در پرونده پیش رو به راه ماندگاری این فیلم تحصیل شده اصغر فرهادی پرداخته‌ایم.



بابک کریمی از شاخصه آثار اصغر فرهادی به «ایران» می‌گوید

یک «ام‌آر‌آی» انسانی

چهارده سال پس از ساخت «جدایی نادر از سیمین»، بابک کریمی این فیلم را نه فقط تجربه‌ای بازیگری، بلکه لحظه‌ای برای بازسازی خویش‌منی می‌داند. از مهاجرت معکوس و تمرین‌های فرهادی می‌گوید تا صحنه‌ای که هنوز دوست دارد قایش کند. برای او، فرهادی نه فقط کارگردان، که نوعی ام‌آر‌آی انسانی است.

در اکران ویژه فیلم در بولونیا، شما حضور نداشتید. اما با شناختی که از فضای فرهنگی ایتالیا دارید، چه احساسی نسبت به آن شب داشتید؟ و آیا باز خوردی هم دریافت کردید؟

بله، دوستانم عکس و ویدیوهایی از آن شب برایم فرستادند. البته چند سال پیش در رم هم مراسم مشابهی برای یکی دیگر از فیلم‌های آقای فرهادی برگزار شده بود که ۳۵۰ نفر در یک میدان بزرگ حضور داشتند. به خوبی می‌توانستم حال‌وهوای آن شب را تصور کنم. بولونیا شهری پیشرو از نظر اجتماعی و فرهنگی است؛ مردمی بسیار مشتاق فرهنگ دارد و جشنواره‌های کوچک و زیبایی در آن برگزار می‌شود، از جمله همین رویدادی که «جدایی...» در آن نمایش داده شد. وقتی تصاویر آن شب را دیدم، با خودم گفتم: «ای کاش من هم آنجا بودم.» آن میدان، در آن شب، دو جهان من—ایران و ایتالیا—را دوباره به هم وصل کرد. حس عجیبی بود، انگار تکه‌های پراکنده زندگی‌ام در یک لحظه کنار هم ایستاده بودند.

شما سال‌ها در ایتالیا زندگی کردید. اما همواره دبستگی‌تان به ایران پررنگ بوده. وقتی در فیلمی بازی می‌کنید که بحرانش حول محور «رفتن یا ماندن» می‌چرخد، چطور این تجربه را لمس می‌کنید؟

ماجرای رفتن یا ماندن فقط یکی از تم‌ها در فیلم بود و این موضوع سال‌هاست که در زندگی ما ایرانی‌ها حضور دارد و برای خود من هم یکی از عناصر جدی زندگی‌ام بود. حتی آثاری که بعد از «جدایی...» کار کردم هم به همین تم پرداختند. مثلاً در تئاتری با علی رازی به نام «بازگشت پسر نافرم‌ان» که درباره سه نسل مهاجر ایرانی در پاریس بود. در فیلم «گذشته» آقای فرهادی هم همین دغدغه دوباره مطرح شد. این مسأله حالا دیگر بخشی از فرهنگ معاصر ما شده است.

توی هر خانواده‌ای که سرک بکشی، یا سر می‌رفتی، یا یک کسی می‌خواهد برود، یا خودش را آماده رفتن می‌کند. البته دلایل این تمایل در نسل‌های مختلف متفاوت بوده. مثلاً در دوره پدر و مادر من، شرایط دیگری وجود داشت. اما در هر دوره‌ای، مهاجرت تصمیمی دردناک است؛ شکافی است در جان آدمی. مثل کندن یک درخت از خاکش است. هر بار که جابه‌جا می‌شوی، انگار یک‌بار می‌میری و دوباره زنده می‌شوی. برای من، «جدایی...» تجربه‌ای از مهاجرت معکوس بود. درست است که به خانه و ریشه‌ها برمی‌گشتم، اما بعد از چهل سال آن قدر دور شده بودم که وقتی به ایران برگشتم، حس می‌کردم وارد یک کشور کاملاً جدید شده‌ام. یاد هست سر تمرین‌های بداهه فیلم، آقای فرهادی گفت: «بابک! به سری اصطلاحات به کار می‌بری که مال سی سال پیش است.» گفتم: «خب، من همون جا فریز شدم. مثلاً به جای «گواهی می‌کنم» می‌گفتم «تصدیق می‌کنم». انگار باید زبان فارسی را، با نسخه بروز شده‌اش، دوباره یاد می‌گرفتم.

آیا بین دو فضای زیسته شما—ایتالیای مدرن و ایران درگیر تلافی‌ها—نوعی کشمکش درونی در حین ساخت فیلم وجود داشت؟ اصلاً فکر می‌کنید یکی از دلایل جهانی شدن فیلم همین دغدغه‌های مشترک انسانی بود؟

به قول دسیکا: «هرچه فیلم ملی‌تر باشد، بین‌المللی‌تر است.» ما آدم‌ها، بیرون از تفاوت‌های ظاهری مثل رنگ پوست، آداب، رسوم و زبان، در موقعیت‌های اساسی زندگی یکسان واکنش نشان می‌دهیم. وقتی عاشق می‌شویم، قلب‌مان همان طوری می‌تپد. وقتی عزیزتری را از دست می‌دهیم، رنجش جهانی‌ست. وقتی باید همه چیز را رها کنیم و برویم، دردش در همه‌جا یکی است. فیلم «جدایی...» دقیقاً از همین دردهای مشترک می‌گوید. از دروغ، از جدا شدن، از تصمیم رفتن یا ماندن، از حس این‌که شاید در مکان اشتباهی به دنیا آمده‌ایم و جای دیگر اوضاع‌ها مان بهتر شود، از امید به آینده یا ترس از آن. اینها موضوعاتی هستند که در تمام دنیا قابل درک‌اند. برای همین است که این فیلم جهانی شد، بدون آن‌که بخواهد خودش را به جهان تحمیل کند.

آیا بین دو فضای زیسته شما—ایتالیای مدرن و ایران درگیر تلافی‌ها—نوعی کشمکش درونی در حین ساخت فیلم وجود داشت؟ اصلاً فکر می‌کنید یکی از دلایل جهانی شدن فیلم همین دغدغه‌های مشترک انسانی بود؟

به قول دسیکا: «هرچه فیلم ملی‌تر باشد، بین‌المللی‌تر است.» ما آدم‌ها، بیرون از تفاوت‌های ظاهری مثل رنگ پوست، آداب، رسوم و زبان، در موقعیت‌های اساسی زندگی یکسان واکنش نشان می‌دهیم. وقتی عاشق می‌شویم، قلب‌مان همان طوری می‌تپد. وقتی عزیزتری را از دست می‌دهیم، رنجش جهانی‌ست. وقتی باید همه چیز را رها کنیم و برویم، دردش در همه‌جا یکی است. فیلم «جدایی...» دقیقاً از همین دردهای مشترک می‌گوید. از دروغ، از جدا شدن، از تصمیم رفتن یا ماندن، از حس این‌که شاید در مکان اشتباهی به دنیا آمده‌ایم و جای دیگر اوضاع‌ها مان بهتر شود، از امید به آینده یا ترس از آن. اینها موضوعاتی هستند که در تمام دنیا قابل درک‌اند. برای همین است که این فیلم جهانی شد، بدون آن‌که بخواهد خودش را به جهان تحمیل کند.

آیا بین دو فضای زیسته شما—ایتالیای مدرن و ایران درگیر تلافی‌ها—نوعی کشمکش درونی در حین ساخت فیلم وجود داشت؟ اصلاً فکر می‌کنید یکی از دلایل جهانی شدن فیلم همین دغدغه‌های مشترک انسانی بود؟

در زمان ساخت، فکر می‌کردید این فیلم مسیر ماندگاری می‌پوشد؟ یا آنقدر ناامید بودید که فکر می‌کردید این فیلم فقط یک تجربه است؟

پروژه‌ای غیرعادی در حال شکل‌گیری است؟ اصلاً نه من، نه آقای فرهادی، هیچ‌کدام چنین تصویری نداشتیم. یادم هست همان زمان دورخوانی، وقتی

حالا ۱۴ سال گذشته، اما هنوز این فیلم زنده است، در جشنواره‌ها و فهرست‌های معتبر تکرار می‌شود. در حالی که تصور اولیه، ساخت یک فیلم محلی بود. به نظر شما چه چیزی در فیلم هست که آن را فراتر از زمان و جغرافیا برده است؟

چون مسائلی که مطرح می‌کند هنوز زنده‌اند. فیلم از آدم‌هایی واقعی حرف می‌زند، نه از آدم‌های کره‌مرخ. دغدغه‌هایی دارد که همچنان دغدغه ماست، مخصوصاً امروز، که انگار با جنگ جهانی سوم وزیدن گرفته و حس‌های انسانی بسیار تندتر و عمیق‌تر شده‌اند. فیلم، درست به وسط دایره هدف زده. وقتی آن رگ حسی را درست می‌گیری و به درستی اجرا می‌کنی، نتیجه همین می‌شود. ببینید، ما هنوز فیلم‌های کلاسیک اوسرن ولز یا دسیکا را تماشا می‌کنیم و از آنها تأثیر می‌گیریم، چون به عمق رفته‌اند.

شما سال‌ها در حوزه‌های مختلف سینما—از تدوین و تهیه‌کنندگی تا بازیگری—فعال بوده‌اید. از این منظر، «جدایی...» برای‌تان کجای کارنامه زندگی قرار دارد؟ یک فیلم؟ یک تجربه؟ یا یک پریشی بی‌پاسخ؟

برای من، یکی از مهم‌ترین لحظات زندگی‌ام است؛ حتی پیش از آن‌که به موفقیت برسد. من زندگی ۲۰ ساله‌ام در ایتالیا را رها کردم، با یک چمدان برگشتم ایران، بی‌این‌که بدانم چه آینده‌ای در انتظارم است. وارد پروژه جدایی نادر از سیمین شدم و در تمرین‌های این فیلم بود که بازسازی بابک جدید شکل گرفت. آن چه من را ساخت، موفقیت فیلم نبود، بلکه آنسفر پشت صحنه، دوره تمرین‌ها و رفاقت‌هایی بود که در جریان ساخت فیلم شکل گرفت. برای من، جدایی... فقط یک فیلم نبود. و این حس فقط مختص من نیست؛ همه عوالم این فیلم همین احساس را دارند. ما در دوره تمرین و ساخت، فضایی را تجربه کردیم که هنوز هم وقتی همدیگر را می‌بینیم، حال و هوای آن فضا زنده می‌شود. چون می‌دانیم شریک یک اتفاق خاص بودیم؛ اتفاقی که آن روزها عمقش را نمی‌دانستیم، اما حس‌آسایی که بین ما رد و بدل شد، منحصراً به قدر بود.

اگر قرار بود فقط یک صحنه از فیلم را قاب بگیرید و روی دیوار خانه‌تان نصب کنید، کدام صحنه را انتخاب می‌کردید؟ و چرا؟

بی‌هیچ تردیدی، سکانس آغازین فیلم. همان سکانس گفت‌وگوی نادر و سیمین در برابر قاضی. به تلهایی یک فیلم کامل است. از همان صحنه اول، تضاد، تنش و عمق شخصیت‌ها را داریم. معرفی جهان اثر، بدون نیاز به مقدمه‌چینی اضافی، به شکلی موجز و تأثیرگذار انجام می‌شود. برای من، آن صحنه، نماینده جهان جدایی نادر از سیمین است.

اگر قرار بود فقط یک صحنه از فیلم را قاب بگیرید و روی دیوار خانه‌تان نصب کنید، کدام صحنه را انتخاب می‌کردید؟ و چرا؟

شما در سه فیلم «فروشنده»، «گذشته» و «جدایی نادر از سیمین» با اصغر فرهادی همکاری داشتید. اگر بخواهید این فیلمساز را نه با صفت، که با یک موقعیت یا لحظه توصیف کنید، آن لحظه برای شما چیست؟

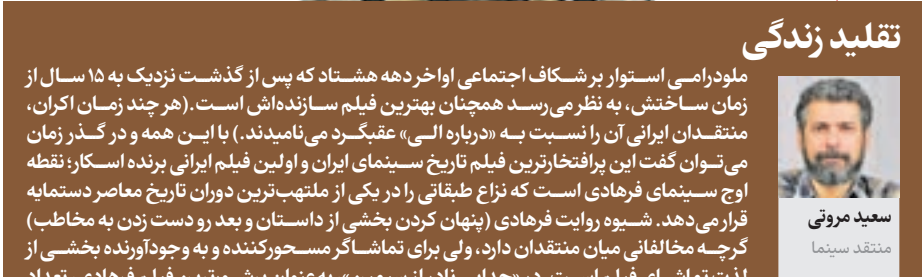
من عاشق تمرین‌های پیش از فیلمبرداری‌ام. آنجاست که تمام فاز ساختن شخصیت شکل می‌گیرد. به نظر من، هر بازیگر باید این باشد که حتی اگر نتیجه نهایی هیچ‌گاه به فیلمبرداری نرسید، حداقل بتواند در تمرین‌ها، در یک فرآیند خلق، کنار آقای فرهادی قرار بگیرد و شخصیت را از درون، لایه لایه بشناسد و بسازد.

اگر بخواهید فارغ از نقش آفرینی و پروژه‌های مشترک، صرفاً به عنوان یک علاقه‌مند به سینما، او را توصیف کنید چه می‌گویید؟

کارهای فرهادی برایم مثل یک ام‌آر‌آی انسانی است. همان‌طور که تصویربرداری MRI با اسکنه‌های نادیدنی، لایه‌های پنهان بدن را آشکار می‌کند، فیلم‌های فرهادی نیز همین کار را با ذهن و روان انسان انجام می‌دهند و به سطح انکشاف نمی‌کند؛ وارد لایه‌های درونی، پرتلاقی و پنهان انسان می‌شود. فیلم‌هایش فقط تماشایی نیستند، قابل زیستن‌اند. آنها مثل تصویربرداری دقیق از وجدان، تردید، خشم، عشق و ضعف آدمی‌اند. چیزی که معمولاً دیگران در سطح بازمانی می‌کنند، او از درون استخراج می‌کند.

تقلید زندگی

ملودرامی استوار بر شکاف اجتماعی او خرده هشتاد که پس از گذشت نزدیک به ۱۵ سال از زمان ساختش، به نظر می‌رسد همچنان بهترین فیلم سازنده‌اش است. (هر چند زمان اکران، منتقدان ایرانی آن را نسبت به «درباره الی» عقیدت نمی‌نمایند.) با این همه و در گذر زمان می‌توان گفت این پرافتخارترین فیلم تاریخ سینمای ایران و اولین فیلم ایرانی برنده اسکار نقطه اوج سینمای فرهادی است که نزاع طبقاتی را در یکی از ملتهب‌ترین دوران تاریخ معاصر دستمایه قرار می‌دهد. شیوه روایت فرهادی (پنهان کردن بخشی از داستان و بعد رو دست زدن به مخاطب) گرچه مخالفانی میان منتقدان دارد، ولی برای تماشاگر مسحورکننده و به وجودآورنده بخشی از لذت تماشای فیلم است. در «جدایی نادر از سیمین»، به عنوان پرشورترین فیلم فرهادی، تعداد سکانس‌های انفعاری بیشتر از تمام فیلم‌های قبلی و بعدی فیلمساز است. فیلم برای اثبات شایستگی‌اش در گرفتن انبوهی جایزه معتبر (خرس‌های برلین، گلدن گلوب، اسکار و...) و این حجم گسترده تحسین و ستایشش، کار چندان دشواری در پیش نداشت و جایگاهش در تاریخ سینمای ایران تثبیت شده به نظر می‌رسد.



سید مرتوی

منتقد سینما



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

یکشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۴ • سال سی و یکم • شماره ۸۷۸۵
• اذان ظهر ۱۲/۱۰ • اذان مغرب ۱۹/۴۲ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۹ • اذان صبح فردا ۳/۱۶ • طلوع آفتاب فردا ۵۹/۰۴

irannewspaper.ir

ایران

• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:

صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:

هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران

• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری

• مدیرعامل: علی متقیان

• تلفن: ۸۸۷۶۱۲۰ • شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۲۵-۰۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

• پیامک: ۳۰۰۴۵۱۳۱۳ • روابط عمومی: صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۲۸۸

• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری

• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارندۀ گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

امام علی علیه السلام فرمود:

فکر تو گنجایش هر چیز را ندارد، پس آن را برای آنچه «مهم» است، فارغ گردان.



سخن‌روز

غررالحکم، ج ۲، ص ۶۰۶



محمود پاک‌نیت در فصل جدید «حکایت‌های کمال»

فصل دوم مجموعه تلویزیونی «حکایت‌های کمال»، تازه‌ترین محصول گروه نمایشی مرکز سیمبرغ به نویسندگی و کارگردانی قدرت‌الله صلح‌میرزایی و تهیه‌کنندگی محمود سلامیان از شنبه ۲۱ تیرماه ه‌رشب حوالی ساعت ۲۱:۱۵ از شبکه دو سیما روانه آنتن می‌شود. بازنویسی فیلمنامه فصل دوم را ستاره‌گذخدایی برعهده داشته و در این فصل، امیرمهدی خاک‌پیز در نقش کمال ایفای نقش می‌کند. همچنین بازیگرانی چون، حمید ابراهیمی، میرطاهر مظلومی، ایرج نودری، جعفر دهقان، محمد فیلی، کاظم هژیرآباد و... حضور دارند. **هنرآنان‌ین**



سارا بهرامی روی صحنه «یخ‌بستگی»

سارا بهرامی که چندی پیش در نمایش «یخ‌بستگی» به ایفای نقش می‌پرداخت، دوباره با همین نمایش به صحنه بازی می‌گردد. نمایش «یخ‌بستگی» به نویسندگی و کارگردانی احمد سلگی از ۲۵ تیرماه در تالار دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی، تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه می‌رود. این اثر نمایشی با بازی سارا بهرامی و مجتبی پیرزاده اجرا خواهد شد. در خلاصه داستان «یخ‌بستگی» آمده است: «به هم‌دیگه قبول داده بودیم که فصل آخرش رو با هم می‌سازیم؛ پس اگه اینجا فصل آخره، در رو باز کن و ببیا تو...» **ایسنا**



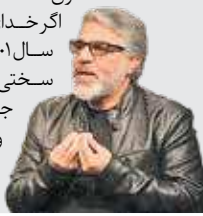
«زن و بچه» سعید روستایی در ملبورن

هفتادوسومین جشنواره فیلم ملبورن استرالیا میزبان نمایش چند فیلم کوتاه و بلند از سینماگران ایرانی خواهد بود. این رویداد سینمایی از تاریخ ۷ تا ۲۴ اوت (۱۶ مرداد تا دوم شهریور) در کشور استرالیا برگزار می‌شود و فیلم «زن و بچه» ساخته جدید سعید روستایی پس از رونمایی در جشنواره کن در بخش «خاورمیانه و آفریقا»ی این جشنواره به نمایش گذاشته می‌شود. «زن و بچه» یکی از ۲۲ فیلم حاضر در بخش مسابقه اصلی جشنواره کن بود و به عنوان یک درام خانوادگی معاصر با موضوع انتقام و بخشش معرفی شد. **ایسنا**



قهرمان اصلی جنگ ۱۲ روزه مردم هستند

گرچه در روزهای گذشته با یک جنگ ترکیبی - شناختی روبه‌رو بودیم که تأثیر بسیار بیشتری از جنگ فیزیکی دارد اما قاطعانه می‌گوییم که برای امثال من آن جنگ هشت ساله خیلی سخت‌تر بود. ما در آن دوران روزهایی را می‌دیدیم که اصلاً آینده‌ای پیش‌رویمان دیده نمی‌شد و کسی نمی‌توانست تحلیل کند که جنگ به کدام سمت می‌رود. هر چه تحلیل می‌شنیدیم مربوط به تحلیل‌های شفاف‌ای طرفیان بود نه مثل الان که تحلیل‌های تخصصی مطرح می‌شود. اما ما در جنگ ۱۲ روزه با یک شرایط اجتماعی خاص روبه‌رو بودیم که مردم در آن فوق‌العاده عمل کردند. در این چندروز چشم‌اسفنددار ما عدم وفای بود و اگر خدای ناکرده شرایطی پیش می‌آمد که در داخل کشور مشابه اتفاق سال ۱۴۰۱ رخ می‌داد و جریان دو قطبی به وجود می‌آمد، آن وقت ضربه سختی می‌خوردیم. حیرت‌انگیز است که حدود پنج میلیون نفر از تهران جابه‌جا شدند اما آب از آب تکان نخورد چون بحث ایران وسط بود و به همین دلیل قهرمان اصلی این جنگ را باید مردم بدانیم. **گزیده‌ای از صحبت‌های محمدعلی باشه‌آهنگر کارگردان / ایسنا**



ایسنا



نگاره آنان که با خون بی‌گناهان سرمست می‌شوند



طراح: لوئیس ریمارکز |

ایسنا



یادداشت



جواد طوسی
منتقد سینما

حضور ماندگار

راز موفقیت جدایی‌ناذر از سیمین



در دوره اول کاری اصغر فرهادی که با ساخت سریال «داستان یک شهر» (۱۳۷۸) و فیلم‌های «قص در غبار» (۱۳۸۱)، «شهر زیبا» (۱۳۸۲) و «چهارشنبه سوری» (۱۳۸۴) توأم بوده است، بیشتر با یک فیلمساز حسی و غریزی روبه‌رو هستیم. اما در دوره دوم فیلمسازی او که با فیلم‌های «درباره‌الی» (۱۳۸۷) و «جدایی‌ناذر از

سیمین» (۱۳۸۹) شکل می‌گیرد و ادامه می‌یابد، ترکیبی از احساس و عقلانیت را در نگرش اجتماعی و مواجهه انسانی‌اش می‌بینیم. اگر بخواهیم دلایل تبدیل شدن «جدایی...» به عنوان موفق‌ترین فیلم گرانامه سینمایی اصغر فرهادی در نمایش عمومی داخلی و برخورد منتقدان و بازخورد جهانی‌اش را تیتروار برشمарیم، باید به این نکات اشاره کنیم:

۱- ارائه تعریفی متفاوت از «تالیسم» در امتداد قصه‌پردازی توأم با جزئیات. البته فیلمسازی با سبک و سیاق عباس کیارستمی، چنین نگرش رادیکالی درباره «جدایی...» و نحوه ساختاری و مضمونی‌اش دارد: «هی‌توانم بگویم که چه هوش بیمارگونه‌ای در ساخت این فیلم دخال داشته است. برای اینکه بتواند سینمایی را که بسیار گول‌زننده است به طرفی سوق بدهد، بسیار هوشمندانه عمل کرده و بعضی وقت‌ها بسیار غیرواقعی و اصلاً مستند نیست.»

۲- بازی فکر شده و هوشمندانه با عناصر و مایه‌های ملودرام. ترکیب و تبدیل یک‌سری مفاهیم و واژگان و خصایص همچون سنت، مدرنیته، بحران خانواده، تقابل طبقاتی، دروغ و پنهان‌کاری، تنهایی، عدالت و وجدان انسانی، مهاجرت، قانون و دسته‌بندی‌های عرفی آن (قوانین شخصی، قوانین الهی و اجتماعی) به کشمکش‌های فردی و موقعیت‌های جذاب نمایشی.

۴- کنار هم قرار دادن «عدالت ترمیمی» و «عدالت کیفری» در کانون قصه‌پردازی‌ای با الگوهای کلاسیک. مواجهه اخلاقی و انسانی با شخصیت‌های اصلی و مکمل (فرعی) و فرصت دادن به آنها برای ابراز وجود و دفاع از خود و تشریح موقعیت و جایگاه فردی و اجتماعی و طبقاتی‌شان.

۶- تعادل و توازن در فرم و محتوا و توجه عمیق به مقوله بازیگری و... یک‌دست بودن بازی‌ها. در عین حال، نمایش اخیر «جدایی...» در شهر بلونیای ایتالیا به همت برگزارکنندگان جشنواره «ریترواتو» (با حضور اصغر فرهادی و دخترش سارینا) و انتخاب این فیلم به عنوان یکی از ۱۰۰ فیلم برتر قرن بیست‌ویکم در نظرخواهی اخیر روزنامه نیویورک تایمز (جدا از موفقیت‌های جهانی قبلی این فیلم)، بیانگر این واقعیت است که برای جهانی شدن می‌باید در وهله اول «اینجایی» بود.

* کتاب گفت‌وگو با عباس کیارستمی (مهدی مفقوری‌ساجی)، انتشارات کتاب‌آبان، صفحه ۳۱۷.

کارگروه رسیدگی به هنرمندان خسارت‌دیده از جنگ ۱۲ روزه در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شد

دوباره برمی‌خیزی هنرمند

گزارش



سعیده احسانی‌راد
گروه فرهنگی

با دستور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی کارگروه رسیدگی به هنرمندان خسارت‌دیده از جنگ به ریاست حسین انتظامی معاون توسعه و مدیریت منابع وزارت ارشاد و همراهی معاونت‌های تخصصی تشکیل و هفته گذشته اولین جلسه این کارگروه برگزار شد.

جبران خسارت ذی‌نفعان وزارت فرهنگ و ارشاد



نیک‌نام حسینی‌پور، مشاور وزیر و رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت ارشاد درباره اقدامات و تصمیمات این کارگروه ۱۲ روزه با توجه به خسارت‌هایی که به حوزه‌های مختلف وارد شده بود برای ارزیابی و رسیدگی به خسارت‌های وارد شده به ذی‌نفعان وزارت فرهنگ و ارشاد کمیته‌ای در وزارتخانه تشکیل شد.

حسینی‌پور ادامه داد: «در اولین قدم در این کمیته مقرر شد خسارت‌هایی که هنرمندان اهالی فرهنگ و هنر و رسانه دیده بودند احصا شود؛ این خسارت‌ها بخشی در مناطق مسکونی، دفاتر کاری فیلمسازان، ناشران، کتابفروشان و اهالی رسانه حتی کلیساها صورت گرفته بود که در خسارت‌ها از طریق معاونت‌های تخصصی در وزارت ارشاد احصا شد و در نهایت به لیست رسیدیم که شامل هنرمندان متفاوتی بود که خسارت بعضی‌ها جدی و بعضی در حد شکستن شیشه و خرابی‌های کم بود مثل خانه خانم معترف که همکاران صندوق هنر به محل حادثه رفتند و من هم چندبار تلفنی تماس گرفتم و در نهایت بعضی خسارت‌ها جبران شد.»

رئیس مرکز روابط عمومی وزارت ارشاد بیان کرد: «خانه‌های بعضی از هنرمندان خسارت‌دیده امکان‌پذیری بود و به دلیل خرابی است سکنی گزیدن نبود. قرار شد وام‌هایی به خسارت‌دیدگان داده شود. این وام براساس درخواست افراد و میزان خسارت‌هاست؛ قرار شد کارگروهی با نظارت صندوق هنر که بازوی اجرایی وزارتخانه است بازدید داشته باشند و در هفته

عباس عظیمی، مدیرعامل مؤسسه هنرمندان پیشکسوت در گفت‌وگو با «ایران» درباره روند رسیدگی به وضعیت هنرمندانی که در جنگ ۱۲ روزه خانه‌های‌شان آسیب دیده، گفت: «ارتباط و تعامل مؤسسه هنرمندان پیشکسوت مقطعی نیست، ارتباط ما منوط به جنگ و غیرجنگ نیست. اگر هنرمندی مشکلی داشته باشد مستقیماً تماس می‌گیرم.» او همچنین ادامه داد: «در فضای مجازی برای پیشکسوتان گروه و کانالی که هست از حال یکدیگر خبر دارند.

در مقطعی که جنگ اتفاق افتاد پیگیری کردیم که کدام یک از هنرمندان آسیبی دیده، متوجه شدیم منزل خانم مریم معترف دچار خسارتی شده. صحبت‌هایی بود که منازل آسیب دیده از سوی دولت و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی مورد رسیدگی قرار



بعد از جنگ ۱۲ روزه با توجه به خسارت‌هایی که به حوزه‌های مختلف وارد شده بود ذی‌نفعان وزارت فرهنگ و ارشاد کمیته‌ای در وزارتخانه تشکیل شد

می‌گیرد.

تصورمان این است که این رسیدگی زمانبر خواهد بود به همین دلیل مستقیم در مؤسسه هنرمندان پیشکسوت دست به کار شدیم.» عظیمی ادامه داد: «چون منزل خانم معترف به دلیل موج انفجار فقط شیشه‌هایش شکسته بود سفارش خرید و نصب شیشه را دادیم که تحویل و در خانه‌شان هم بزودی نصب خواهد شد و خانه ایشان آماده زندگی می‌شود. کوجه‌ای که خانم معترف در آن زندگی می‌کرد بسیار آسیب دیده بود و این هنرمند به صورت معجزه‌آسایی حتی یک خراش برنداشته که جای شکرش باقی است.

خوشبختانه در وزارت ارشاد کمیته‌ای تشکیل شده تا هنرمندانی که در جریان جنگ خانه‌های‌شان خسارت و آسیب دیده‌اند مورد حمایت و رسیدگی قرار گیرد.» عظیمی در پاسخ به این سؤال که با توجه به اینکه جنگ تروماهای روحی و روانی را در پی دارد، بعد از آتش‌بس مؤسسه هنرمندان پیشکسوت چه برنامه‌ای برای عادی‌سازی و بازگشت به زندگی برای هنرمندان دارد، گفت: «با توجه به اینکه همکاران در مؤسسه با هنرمندان ارتباط مستمر دارند قرار است در اولین فرصت برنامه دورهمی بگذاریم تا دیدارها تازه شود و این زمان مناسبی است که از هنرمندانی که دچار مشکل شده‌اند خبردار شویم.»

عظیمی یادآور شد: «۷۵ درصد اعضای مؤسسه هنرمندان پیشکسوت در تهران ساکن هستند و خوشبختانه در جریان جنگ آسیب ندیدند و از مراکز خطر دور شده بودند.» او درباره مهم‌ترین برنامه‌ای که در مؤسسه هنرمندان پیشکسوت برای هنرمندان برنامه‌ریزی شده، اظهار کرد: «رسیدگی و تعامل و ارتباطات گذشته با هنرمندان در حال انجام است.

به دلیل جنگ جشن‌های تولد هنرمندان برگزار نشد این جشن‌ها در روحیه هنرمندان تأثیر زیادی داشت.

به دنبال آن هستیم برنامه‌های سفر گروهی را در این شرایط احیا کنیم تا هنرمندان از روزمرگی خارج شوند. در مؤسسه هنرمندان پیشکسوت منتظر نیستیم اتفاقی بیفتد تا برنامه جدید را تدوین

کنیم. ارتباط ما اصلاً با هنرمندان قطع نمی‌شود و ۲۴ ساعته کار می‌کنیم، در مؤسسه یک منشور اخلاقی داریم که تعطیلات یا پایان وقت اداری مانعی برای قطع ارتباط با هنرمندان نیست. هنرمندان هر خواسته و تماسی در ساعات غیراداری و حتی نصفه شب داشته باشند بی‌پاسخ نمی‌ماند.

علاوه بر آن یک سیستم پیگیری خاص در مؤسسه هنرمندان پیشکسوت داریم. همکاران با هنرمندان تماس بگیرند اگر لایه‌های صحبت‌ها متوجه موضوعی شوند که نیاز به پیگیری و رسیدگی دارد آن موضوع وارد درگاه پیگیری شده و رسیدگی می‌شود.»

مدیرعامل مؤسسه هنرمندان پیشکسوت طرحی داشتیم به نام «هنرمندانی داریم که از لحاظ معیشتی دچار مشکل هستند و ما را در جریان قرار دادند و تا جایی که از لحاظ بودجه‌ای توان داشتیم در قالب وام‌های بدون بهره کمک کردیم. وام‌هایی که توسط مؤسسه هنرمندان پیشکسوت داده می‌شود به صورت قرض‌الحسنه است؛ وام ۱۰ میلیونی است که بدون ضامن پرداخت می‌شود و اسمش وام بدون دردسر است و یک ساعته هم پرداخت می‌شود. این وام جزو وام‌های ضروری است. وام‌های با سقف بالا را به صندوق هنرمندان ارجاع می‌دهیم. البته ماهیانه تا ۱۲ نفر از این وام ضروری می‌گیرند.» عظیمی همچنین به ارتباط خوب مؤسسه با صندوق هنر اشاره کرد و گفت: «ارتباط مؤسسه هنرمندان پیشکسوت با صندوق هنر بسیار خوب است و در بحث بیمه تکمیلی دو سال است که



حسینی‌پور درباره نحوه همکاری دولت با وزارت ارشاد برای جبران خسارت ذی‌نفعان وزارت ارشاد گفت: «وزارت مسکن و شهرسازی به جاهایی که خسارت دیدند، رفتند و خسارت‌ها را برآورد کردند، اما چون اهالی فرهنگ و هنر ذی‌نفعان ما هستند وزارتخانه با کمک‌های حداقلی از خسارت‌های بیشتر جلوگیری می‌کند. همچنین کمیته قرار است از مکان‌های خسارت‌دیده بازدید و هفته آینده گزارش‌شان را ارائه کند تا براساس آن پرداخت وام و تسهیلات به هنرمندان آسیب‌دیده صورت گیرد.»



پرش